



آبان ۱۴۰۲

کافه آینده سی و هشتم

آیند علم در قرن پانزدهم هجری



فهرست مطالب

۳	۱	مقدمه
۴	۲	سوالات جلسه
۷	۳	شرح جلسه کافه آینده
۷	۱.۳	آقای عطاری؛ میزبان
۸	۲.۳	آقای بهرامی؛ آینده پژوه و استاد دانشگاه
۹	۳.۳	آقای شمس؛ دانش آموز
۱۰	۴.۳	آقای محجوبیان؛ مسئول کمیته علم و فناوری مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۱	۵.۳	آقای توکلی؛ اندیشکده طراحی و اقامه عدل
۱۲	۶.۳	آقای علی سلطانی؛ مدیریت منابع آب
۱۳	۷.۳	آقای انصاری؛ عضو هیات علمی پژوهشگاه زلزله
۱۵	۸.۳	آقای نریمان؛ دانش آموز
۱۶	۹.۳	خانم طاعتی؛ آینده پژوه و مدرس دانشگاه
۱۷	۱۰.۳	خانم چیتی؛ کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی
۱۹	۱۱.۳	آقای رسولی؛ مدرس فیزیک دانشگاه کمبریج انگلستان
۲۰	۱۲.۳	آقای موسوی؛ دانش آموخته شیمی
۲۰	۱۳.۳	آقای مسعودیان؛ بنیاد توسعه فردا
۲۱	۱۴.۳	آقای علی محمد سلطانی؛ مسئول صندوق حمایت از پژوهشگران کشور
۲۲	۱۵.۳	آقای فاتح راد؛ پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف
۲۴	۱۶.۳	آقای نصرافنهایی؛ مرکز پژوهش های مجلس
۲۵	۱۷.۳	خانم سلامتی؛ متخصص رادیولوژی و سونوگرافی
۲۶	۱۸.۳	خانم صفوی فر؛ اندیشگاه سرو - روانپزشک
۲۷	۱۹.۳	آقای یزدی؛ پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف
۲۹	۲۰.۳	سخن پایانی؛ آقای بهرامی
۳۱	۴	تحلیل کاربرگ های نشست
۳۱	۱.۴	سناریوهای ترسیم شده

۳۶	۵ معرفی کتاب
۳۶	۱.۵ دست‌های طلایی
۳۷	۲.۵ الف تا ی
۳۸	۳.۵ خط مقدم
	۴.۵ مقاله نقد دوگانه‌های متعارف جامعه‌شناختی با تحلیل ساختار اقتصادی- اجتماعی شرکت‌های
۳۹	استارت‌آپی
۴۱	۶ عکسهای نشست
۴۵	پیوست‌ها
۴۵	الف پیوستر نشست
۴۶	ب کاربرگهای نشست
۶۶	پ لیست شرکت‌کنندگان

۱ مقدمه

محفل پاییزی ما ان شاء الله^۱ درباره علم و آینده پنجاه تا صدسال آن خواهد بود. اما باز هم به شیوه ویژه خودمان به آن خواهیم پرداخت. اول اینکه مبتنی بر فرهنگ و تاریخ ایران و اسلام، پیشرفت علمی ایران را یک پدیده تمدنی فرض می‌کنیم که یکی از مهمترین مصادیق خدمات متقابل ایران و اسلام است. توصیفی که چندصدسال قبل ابن‌خلدون در مقدمه کتاب جامعش می‌آورد، ایران آینده، سرزمین دانایی! به صراحت سرزمین ایران را ستاره درخشان تولید علمی در جهان اسلام اعلام می‌کند. در نشست مهرماه، از علم و معنای آن صحبت کردیم و مفاهیم مرتبط مثل فناوری، آگاهی و مانند آن را بررسی کردیم و در مورد مسیر متفاوت کشورها و تمدن‌ها در پیشرفت علم و فناوری به گفتگو پرداختیم. همچنین جایگاه ایران اسلامی در مقایسه با پیشرفته‌ترین کشورهای علمی و فناوری را بررسی کردیم و ویژگی ایران اسلامی، که بلند کردن پرچم دین در جهان است و تاثیر آن بر تصویر صدسال پیشروی آینده مطرح شد و در نهایت اجماع نظر هم کافه‌ای‌ها بر امید بخش بودن پیشرفت‌های علمی جمهوری اسلامی ایران برای ساخت تمدن اسلامی ایرانی در پنجاه تا صدسال آینده بود. در نشست آبان‌ماه قراربراین بود با جزئیات بیشتری آینده پیشرفت‌های علمی در ایران و حوزه تمدن اسلامی تصویرسازی شود اما از آنجا که مهمانان جدیدی در کافه تشریف آوردند و بحث‌ها کمی در ادامه نشست مهرماه پیش رفت. در این نشست هم مجدد مطرح شد که تفاوت دیدمان (پارادایم) تمدن اسلامی با تمدن غربی اگر جدی گرفته نشود، آینده پیشرفت علمی در ایران چیزی جز دنباله‌روی از تصویر تمدن غربی نخواهد بود و اولویت‌های ما همان موضوعاتی خواهد شد که تمدن غرب به صورت آشکار و پنهان برای ما نگاشته و تصویرسازی کرده است. به طور مثال اگر یکی از پیشران‌های پیشرفت علمی در ایران نحوه سرمایه‌گذاری امروز ما در حوزه‌های اولویت دار باشد آنگاه اهمیت اینکه ما خودمان اولویت‌هایمان را تعیین کنیم یا دیگران آن را برایمان تعیین کنند بیشتر مشخص می‌شود. همچنین تصویرسازی در حوزه علوم انسانی با جزئیات بیشتری انجام شد اما به جهت تصویرسازی در حوزه علوم بنیادی و علوم کاربردی و رسیدن به پیش سناریوها برای نشست سوم فصل پاییز کافه آینده، جلسات «بعلاوه آینده» با حضور متخصصین و صاحب‌نظران این حوزه‌ها برگزار گردید که نتایج آن در نشست آذرماه با طرح سناریوهای تفصیلی از آینده‌های ممکن پیش روی پیشرفت علمی ایران اسلامی، ان شاء الله به مسیر رسیدن به آن آینده‌ها فکر خواهیم کرد و تلاش می‌کنیم رهنگاشتی برای طی این مسیر ترسیم کنیم.

۲ سوالات جلسه

علوم انسانی چگونه خواهند توانست زیرساخت‌های تمدن اسلامی را بسازند؟

اگر علوم انسانی را علمی بدانیم که روش، ابزار و ادبیات لازم برای فهم پدیده‌های انسانی را فراهم می‌کنند، بی‌گمان این علوم نقش مهمی در اعتلا و پیشرفت، یا رکود و جمود جوامع انسانی ایفا می‌کنند و غنا و عمق آنها در استحکام بنیان تمدن‌ها نقش مهمی دارد؛ حالا چه تاریخ و علوم سیاسی باشند، چه اقتصاد و مدیریت و چه علوم اجتماعی و روانشناسی و فلسفه و الهیات.

لازمه نگاه به این علوم به عنوان دانش‌های زیرساخت تمدنی، اتصال هویتی آنها به زیست‌بوم، اقلیم، فرهنگ و تاریخ هر مردمی است تا بتواند به آنها در بازاندیشی نسبت به «آنچه که خود هستند» و نیز «آنچه می‌خواهند باشند» کمک برساند.

چگونه می‌توان از زیر سایه آنچه که جوامع دیگر به عنوان علوم انسانی فراهم آورده‌اند و به عنوان زیرساخت تمدن خود قرار داده‌اند، فراتر رفت و دانشی را پایه‌ریزی کرد که در عین استحکام و قاعده‌مندی، در موضوعات، روش‌ها و کاربردها به سرزمین و هویت ما وفادار باشد و بتواند زیرساخت‌های محکمی برای عمارت تمدن اسلامی و ایرانی بسازد؟

نوآوری‌های اجتماعی مورد نیاز تمدن اسلامی چگونه انجام خواهد شد؟

هر جامعه‌ای برای رشد و پیشرفت به نوآوری نیاز دارد. و اگر مقیاس این پیشرفت‌ها در حد و اندازه تمدنی باشد، لزوم اندیشیدن به راه‌حل‌های نوآورانه دوچندان می‌شود.

نوآوری اجتماعی در کوتاه سخن، ارائه راه‌حلی است که با کمترین هزینه‌ها، با استفاده از ظرفیت‌های مردمی و فرهنگی، اما در سبک و سیاقی نو، در دوره‌های نسبتاً بلندمدت، منجر به تغییراتی ریشه‌دارتر و ماندگارتر به نفع سلامت و شادابی جامعه شود.

با این تعریف نوآوری اجتماعی نمی‌تواند وارداتی و مشابه‌سازی شده از نمونه‌های جوامع دیگر باشد؛ گرچه مسلماً مرور تجربیات مردمان دیگر، در صورتی که راه و هدف خود را گم نکنیم، می‌تواند بسیار ارزشمند باشد.

در دهه‌های آینده چگونه هستی‌شناسی الهیاتی افق فهم بشر از جهان را، از ریزترین ابعاد تا دوردست‌هایش، متاثر می‌سازد؟

طبیعت پیرامون ما منبع بی‌پایانی برای شناخت و الهام به شمار می‌آید. به نظر می‌رسد پیش‌فرض‌ها و ذهنیت‌های ما، که هیچ‌گاه در علوم تجربی قابل اثبات یا رد نیست، تاثیر عمیقی روی نگرش ما نسبت به اجزای طبیعت داشته باشد.

نظریه‌های گوناگون درباره شیوه آغاز جهان، مخلوق بودن آن، نظم درونی آن، تمایل کلی جهان به انبساط یا آشوب و مواردی از این دست، همه و همه بر رویکرد عملی، سیاست‌گذاری و جهت‌گیری‌های کلان ما در شناخت طبیعت اثر می‌گذارند.

سوال راهبردی در این میان آن است که با مبنا قرار دادن نگرش الهیاتی این جهت‌گیری‌ها و رویکردهای ما در شناخت جهان پیرامون چه اثری دارد؟

نگاه خداپاور چه مدلی برای تسلط بر ماده و انرژی ارائه می‌کند؟

از دیرباز و دوران‌های اولیه حیات انسانی بر روی زمین، انسان‌ها برای چیره شدن بر عناصر طبیعت و بهره‌مندی در تلاش بوده‌اند. آب، آتش و آفتاب، خاک و باد در اشکال گوناگون موضوع تلاش‌های بشری در طول تاریخ بوده‌اند. تلاش‌هایی که گاه متواضعانه و هوشمندانه و گاه خودخواهانه و غارتگرانه بوده است.

پیش‌فرض‌های اخلاقی و نوع تعریف انسان و جهان نقشی تعیین‌کننده در نوع رفتار انسانها با طبیعت مادی پیرامون داشته است.

برخی از این پیش‌فرض‌ها ابر و باد و فلک را در خدمت بشر می‌دانند و بر این اساس انسان را محق برای هرگونه دست‌اندازی و بهره‌مندی می‌دانند. برخی دیگر انسان را در نسبتی با جهان هستی تعریف می‌کند که علاوه بر حق بهره‌مندی از طبیعت، مسئولیت‌هایی هم بر دوش او قرار دارد.

هر دسته از این پیش‌فرض‌ها و اخلاقیات بایستی صورت‌بندی و مدل‌سازی شود تا بتواند نوع بهره‌مندی و تسلط بر ماده و انرژی را نظام‌مند، هدفمند و ثمربخش کند.

نگاه مبتنی بر جهان‌بینی دینی هم از همین قاعده پیروی می‌کند و بایستی روی آن کار شده و مدل‌سازی شود.

شمایل دانشمندان، نهادهای علمی، مراکز سیاست‌گذاری علمی و آزمایشگاه‌های ایران اسلامی در پنجاه سال آینده چگونه خواهد بود؟

ایرانیان پیشینه پربراری در گسترش علم و دانش داشته‌اند و سهم بزرگی در دستاوردهای علمی بشر داشته‌اند. محیط‌های علمی ایرانی، شیوه تحصیل علم، نحوه ارتزاق دانشمندان، حتی جای‌گذاری مدرسه‌ها در دل مساجد و معماری آن در ایران در طول تاریخ شکل و شمایل متفاوتی با آنچه امروزه می‌بینیم داشته است.

این تفاوت‌ها نشانه سیالیت و تأثیرپذیری نمودهای بیرونی علم و دانش از وضعیت اجتماعی، فرهنگی و نگرش‌ها و باورهای جوامع دارد.

با تخیل تصویرهایی که قرار است در پنجاه سال آینده از دانشگاه و دانشمند و مرکز مطالعات و حتی موضوع‌های علمی به وجود بیاید، یا دوست داریم که به وجود بیاید، و گفتگوی جمعی درباره این تصویرها، موانع ذهنی خلق

این تصویرها را می‌شناسیم و سست می‌کنیم و در حافظه جمعی خود مسیرهایی برای دستیابی به این تصویرهای الهام‌بخش می‌سازیم.

نهادهای حکمرانی در آینده چگونه از نهاد علمی و فرآورده‌هایش تغذیه خواهد کرد؟

متفکران و اندیشمندان هر جامعه‌ای همواره آرزو دارند که حکمرانی مدیرانه، هدفمند و اصولی باشد. چنین فرایندی به آن معناست که نهاد حکمرانی رابطه‌ای مستمر، تعریف‌شده و پویا با نهادهای علمی جامعه داشته باشد و مرتباً به آنها صورت مساله و گزارشی از شرایط میدانی بدهد و از پیشنهادها، راه‌حل‌ها و همفکری‌های آنها در شیوه حکمرانی بهره ببرد.

اما همگان می‌دانیم که نهاد حکمرانی نهاد قدرت و سلطه است و نفوذ تفکر علمی، به معنای عام آن و نه صرفاً علم تجربی، و شیوه پژوهشی، اصلاح خطاها و تعریف مسیره‌های تازه، به راحتی و به شکل دستوری امکان‌پذیر نیست و با موانعی فراتر از اراده و تمایل افراد روبه‌روست.

با این حال گفتگو درباره روابط متقابل نهاد قدرت و نهاد علم، ترسیم آینده مطلوبی که از نوع و حدود این رابطه در ذهن داریم و تلاش جمعی برای ساخت این مسیره‌ها، به جای اتهام‌زنی و دوری‌گزینی‌های شخص‌محور، می‌تواند این تصویرهای مطلوب را ممکن‌تر کند.

۳ شرح جلسه کافه آینده

نشست کافه آینده در روز دوشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۴۰۲ از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۲۰ در محل خانه اندیشه‌ورزان برگزار گردید. در ادامه به ارائه خلاصه‌ای از نظرات و نکات اصلی ارائه شده توسط اندیشمندان مختلف پرداخته خواهد شد. هدف از برگزاری این جلسه تلاش برای رسیدن به تصویری از آینده علم و فناوری در ایران در بازه زمانی ۵۰ تا ۱۰۰ سال آینده می‌باشد. از سوی دیگر یکی دیگر از دغدغه‌های کافه این است که دین اسلام چگونه می‌تواند در روند رشد علم و فناوری در کشور تاثیرگذار باشد.

در ابتدای جلسه کتابهایی با موضوع آینده‌پژوهی علم و فناوری توسط سرکار خانم دکتر صفوی فر معرفی گردید. این کتابها بصورت مفصل در فصل معرفی کتاب این گزارش ارائه شده‌اند.

۱.۳ آقای عطاری؛ میزبان

در فضای عدم قطعیت در ۵۰ سال آینده، ایران کجا می‌تواند باشد؟ وقتی در مورد ایران صحبت می‌کنیم در مورد یک کشور صحبت می‌کنیم یا در مورد یک منظومه تمدنی؟ ذهن را آزادتر بگذاریم و مثلاً در حوزه علوم بنیادی، در مورد اسرار طبیعت از ریزترین تا بزرگترین آن، از ابرنواختر تا نانو و کوچکتر از آن در ۵۰ سال آینده چه اتفاقی خواهد افتاد؟



یک پیشنهادی در جلسه مهرماه شد که ما در علوم کاربردی و تسلط ماده و انرژی می‌توانیم کمی کاری کنیم اما در

حوزه علوم انسانی و نوآوری های اجتماعی، آنجا که در مورد تعاملات انسانی و تمدن است، آنجا منابع محدودمان را هزینه کنیم و علم تولید کنیم و موفق باشیم.

۲.۳ آقای بهرامی؛ آینده پژوه و استاد دانشگاه

در دانشگاه امیرکبیر در مورد بزهکاری جوانان در جنوب شهر در جلسه ای صحبت شد و آمار و جداولی ارائه کردند که ما خیلی تحت تاثیر قرار گرفتیم اما بعد مشخص شد که این آمار مربوط به جنوب شیکاگو است! یعنی حتی زحمت نکشیده بودند به عنوان استاد فرهیخته، در جنوب تهران یا هر استان دیگری طرح را پیاده کنند و پژوهش کنند و اعداد را مقایسه کنند. علوم انسانی را نباید سرسری گرفت، علوم انسانی نظر دادن نیست بلکه مانند علوم تجربی است. وقتی در مورد آینده صحبت می کنید باید وضع موجود را بشناسید. اگر ندانیم الان چه داریم و اگر وضع موجود را تحلیل نکنیم نمی توانیم در مورد آینده صحبت کنیم. باید بدانیم که این مسیر که می رویم بعدا به چه صورت خواهد بود.



قبل از انقلاب صنعتی در ایران و هند صنایع پارچه بافی و دیگر صنایع مفصل بودند اما بعد از انقلاب صنعتی اتفاقی افتاد، در انقلاب صنعتی ماشین بافندگی درست شد و باعث شد لباس خوش رنگی که خانم های هندی پارچه اش را می بافتند و آن را مثلا متری ۱۰ روپیه می فروختند با ماشین بافندگی متری ۱ روپیه تمام شود. اما آن پارچه ۱۰ روپیه ای یک عمر طرح و رنگش را حفظ می کرد و پارچه یک روپیه ای یکسال بیشتر کار نمی کرد، منتها ارزان بود.

یا مثلاً آفریقایی‌ها یاد گرفته بودند برای اینکه مزرعه رطوبت اش را از دست ندهد محصولات مختلف بکارند. اما به آن‌ها گفتند شما فقط پنبه بکارید یا شما فقط گندم بکارید؛ یکسال این کار را می‌کنند و زمین برهوت می‌شود. خیلی از تمدن‌ها و خرده تمدن‌ها بدین صورت صدمه دیدند.

جنگ غزه را ساده نگیرید که فکر کنید اسرائیل با حماس می‌جنگد. بوش پسر جمله ای دارد و می‌گوید شکل جنگ جهانی مذهبی است. ما در حال این جنگ هستیم وارد جنگی شدید که شکافی ایجاد می‌کند و شکاف تکنولوژی ایجاد می‌کند.

در هوش مصنوعی کپی کاری وجود ندارد، در ماکروالکترومکانیک و نانو الکترومکانیک چیزی به نام کپی کاری وجود ندارد. یک پهباد می‌سازند ۵ در ۵ سانت و آدم را انتخاب کرده و ترور انجام می‌دهد و شما چیزی ندارید که از روی آن کپی کنید. حواسمان باشد که شکافی که ایجاد می‌شود ما اینور شکاف نمایم.

دقت بفرمایید که همه چیز شبکه ای است. قدرت و سیاست و توسعه شبکه ای است. به چه علت استارت‌آپ‌ها به استانبول و دویبی می‌روند؟ می‌خواهند جزئی از آن شبکه باشند.

مثلاً چرا نمی‌توانیم سیستان و بلوچستان را موفق کنیم؟ چون شبکه ملی خرید و فروش برای آن‌ها ایجاد نکردیم. در سیستان و بلوچستان لباس‌های منحصر به فردی می‌دوزند. در زمان پهلوی از این لباس‌ها استفاده می‌کردند و بازارچه محلی درست کرده و خانم‌ها را می‌بردند. اگر تمرین ایجاد شبکه نداشته باشیم آدم‌ها را از دست می‌دهیم و به تنهایی نمی‌توان موفق بود. الان زمان حکمرانی هوش مصنوعی و مدیریت و استفاده از آن است. ما یک تمرین مهندسی به دانشجو می‌دهیم، همان را به هوش مصنوعی می‌دهد و سی ثانیه بعد تمام جواب را تایپ شده تحویل می‌گیرد. من چگونه باید این جوان را تربیت کنم؟

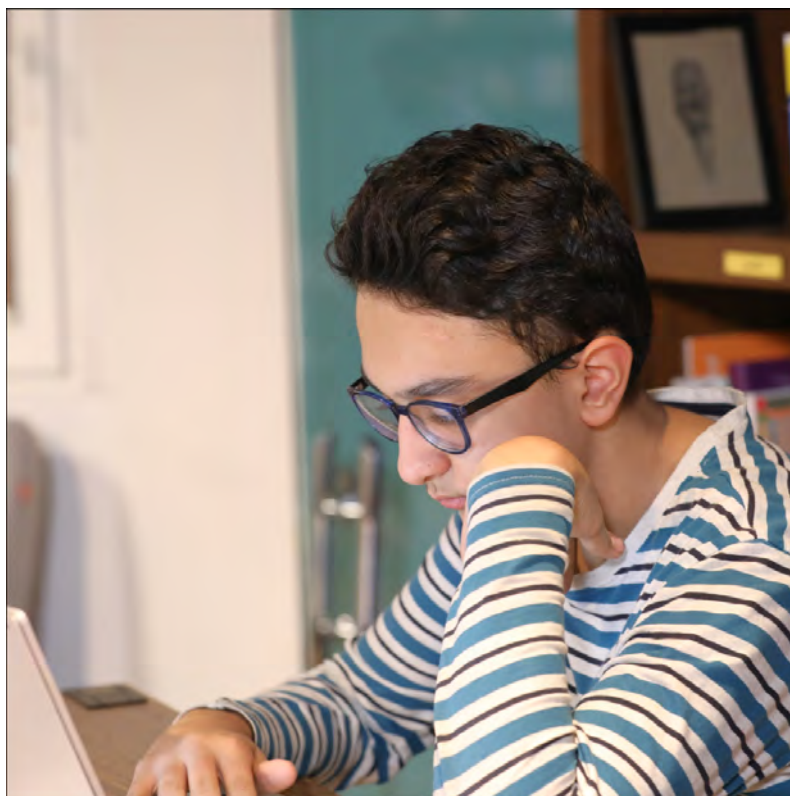
دقت کنیم که تکنولوژی عوض می‌شود و شکاف ایجاد می‌کند. ما باید یاد بگیریم شبکه‌ای عمل کنیم وگرنه ثروت و قدرت ما تحلیل می‌رود و تمام جنگ‌هایی که در منطقه رخ داده برای تضعیف تمدنی ما است. افغانستان را دست کم نگیرید چرا اسمش را افغانستان می‌گذارند؟ برای اینکه با ما در تعارض قرار بگیرد وگرنه به آن‌ها بگویند ایران شرقی، ما ایران غربی، آذربایجان هم ایران شمالی غربی بشود! همه این‌ها یک تمدن است ولی برای تضعیف تمدنی افراد بی‌هویت سرکار آمده‌اند.

۳.۳ آقای شمس؛ دانش آموز

ما به تمدن اسلامی فکر می‌کنیم، به خاطرش انقلاب کردیم و حکومت اسلامی تشکیل دادیم. اما به همین راحتی نمی‌توان به تمدن اسلامی رسید. صرف تغییر دادن حکومت و بیرون کردن شاه تمدن اسلامی ساخته نمی‌شود. تمدن یعنی سرزمین پر از آرامش.

داریوش هخامنشی تمام مخالفینش را سرکوب کرد و تمدن ایرانی را شکل داد. تمدنی که سرتاسر همه ایرانی

محسوب می‌شدند و برای ایران کار می‌کردند.



اگر بخواهیم تمدن اسلامی بسازیم باید به روش متمدنانه آن را برای همه توسعه بدهیم و همه آن را قبول کنند و نمی‌توانیم با زبانی که فقط خودمان متوجه آن می‌شویم تمدن را به بقیه بقبولانیم. اگر زبان من پشتو باشد نمی‌توانم با شمای انگلیسی زبان صحبت کنم. آن چیزی که مهم است این است که یاد بگیرم تو چه می‌فهمی و تو یاد بگیری من چه می‌فهمم. به این ترتیب من می‌توانم چیز را که می‌خواهم به تو انتقال بدهم و بالعکس. این یک روش متمدنانه است.

اگر ایران بخواهد به توسعه فناوری برسد باید بتواند تمدن اسلامی راه بیندازد و باید بتواند این تمدن اسلامی را به همه افراد طوری تبیین کند که همه آن را فهم کنند.

۴.۳ آقای محجوبیان؛ مسئول کمیته علم و فناوری مجمع تشخیص مصلحت نظام

علم را به سه دسته موضوعی می‌توان تقسیم کرد؛ طبیعت، انسان و مفاهیم انتزاعی. در فلسفه علم توماس کهن فیلسوف امریکایی که واژه پارادایم (دیده مان) را هم معرفی کرده می‌گوید: ما در فضای علم یا مشغول علم متعارف هستیم یعنی نظریه‌ای که وجود دارد را شاخ و برگ می‌دهیم؛ یا انقلاب می‌کنیم و نظریه جدید بوجود می‌آید. تا زمانی که ما مشغول علم متعارف در حوزه‌ای باشیم تحولی رخ نمی‌دهد.



در علوم طبیعی کشور ما همراه با علم متعارف دنیا است و رشد علمی ما این را نشان می‌دهد اما در علوم انسانی و علوم انتزاعی اگر بخواهیم به سمت تمدن سازی برویم باید بیشتر کار کنیم. در علوم انسانی خیلی عقب تر هستیم و حتی در لایه علم متعارف هم نیستیم و خیلی ضعف داریم.

۵.۳ آقای توکلی؛ اندیشکده طراحی و اقامه عدل

مهمترین نوآوری اجتماعی که باید اتفاق بیفتد در حوزه انسان است و پایه نوآوری اجتماعی در علوم انسانی شناخت سرشت انسان و انسان آرمانی است.

آیا انسان را حیوان ناطق می‌دانیم؟ آیا انسان را گرگی می‌دانیم که دنبال منافع است ولو انسان های دیگر را پایمال کند مثل اتفاقاتی که در غزه شاهدیم؟ آیا انسان را حیوان وحشی تلقی می‌کنیم؟



آن چیزی که پایه نوآوری ما را تشکیل می‌دهد انسان عادل است. در کتاب «عدالت در عمل» انسان عادل اینطور تعریف کردیم: اگر انسان را ترکیبی از اعتقادات، شخصیت و رفتار بدانیم، شخصیت انسان عادل شناخت وجود، آن چنان که هست. یعنی باید حقیقت وجود را بشناسد و باور به پذیرش حق و عدل داشته باشد. و انسان عادل ۴ ویژگی دارد: ۱. انصاف؛ حق دیگران را دیدن و در عمل پذیرفتن. حتی در صورت تعارض در منافع خود. ۲. اعتدال در قوای نفس؛ ما سه قوه وهمیه - شهویه - غضبیه که هر کدام افراط و تفریط دارند ولی اعتدال آن‌ها به ترتیب حکمت، عفت و شجاعت می‌باشد. ۳. توازن درتأمین نیازها؛ انسان ۴ لایه نیاز دارد: نیازهای جسمی، نیازهای اجتماعی، نیازهای روانی و نیازهای روحی. ۴. عزت نفس، سعه صدر و تعادل عاطفی؛ مدیریت هیجان‌ها و عواطف داشته باشد.

رفتار انسان عادل هم دو ویژگی دارد: رعایت حقوق (حق خدا، حق مردم، حق خود و حق طبیعت) و دوم حرکت عادلانه فردی.

در علوم انسانی مسیر ما متفاوت است و از شناخت انسان آرمانی شروع می‌شود.

۶.۳ آقای علی سلطانی؛ مدیریت منابع آب

در بحث تمدن ایرانی اسلامی، انسان نقش اساسی و محوری دارد. پایه این انسان هم فرهنگ است. فرهنگ است که سرنوشت ساز ملت‌ها است. واقعیت موجود، واقعیت خوبی نیست. در تکنولوژی و پزشکی، بعضاً در فناوری

نانو و هسته‌ای پیشرفت خوبی داشته و جزء کشورهای برتر هستیم اما در حوزه فرهنگ به قهقرا رفته‌ایم. آمار جرائم در کشور نگران کننده است. سرقت، خیانت در امانت، رشوه و فساد و .. این‌ها آلام است. اگر متوجه علت شویم پیدا کردن راه حل راحت است.



آبراهام والت در جنگ جهانی دوم، عنوان «خطای نجات یافتگان» را مطرح می‌کند. تعداد زیادی هواپیمای متفقین که نجات پیدا کرده بودند را بررسی کردند تا ببینند چه ایرادی داشته آقای والت می‌گوید این‌ها هواپیماهای نجات یافته هستند اگر بخواهید بال یا دم هواپیما را قوی کنید عملاً از هدف دور شده‌ایم. باید هواپیماهای سرنگون شده را پیدا کنید و نقاط ضعف آن‌ها را تقویت کنید.

۷.۳ آقای انصاری؛ عضو هیات علمی پژوهشگاه زلزله

صحبتی که امام خمینی در ۱۳ تیر ماه ۵۸ در دیدار اساتید دانشگاه تهران در شهر قم بیان کرده اند بسیار جالب است. در ادامه بخشی از این صحبتها آورده می‌شود:

«فرق بین دانشگاه‌های غربی و دانشگاه‌های اسلامی باید در آن طرحی باشد که اسلام برای دانشگاه‌ها طرح می‌کند. دانشگاه‌های غربی - به هر مرتبه ای هم که برسند - طبیعت را ادراک می‌کنند، طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت. اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد. تمام علوم طبیعی - به هر مرتبه‌ای که برسند - باز آن چیزی که اسلام می‌خواهد نیست. اسلام طبیعت را مهار می‌کند برای واقعیت؛ و همه را رو به وحدت و توحید می‌برد. فرق بین

مکتب توحیدی و سایر مکتب‌ها، که بزرگترینش اسلام است، این است که اسلام در همین طبیعت یک معنای دیگری می‌خواهد، در همین طب یک معنای دیگری می‌خواهد، در همین هندسه یک معنای دیگری را می‌خواهد، در همین ستاره شناسی یک معنای دیگری می‌خواهد. کسی که در قرآن شریف این معنا را مطالعه کند، می‌بیند که جمیع علوم طبیعی جنبه معنوی آن در قرآن مطرح است نه جنبه طبیعی آن. تمام عقلاتی که در قرآن واقع شده است و امر به تعقل، امر به اینکه محسوس را به عالم تعقل ببرید و عالم تعقل؛ عالمی است که اصالت دارد و این طبیعت، یک شبیحی است از عالم؛ منتها ما تا در طبیعت هستیم، این شبیح را، این حظ نازل را می‌بینیم. اینهایی که ادعا می‌کنند که ما عالم را شناختیم و اعیان عالم را شناختیم، اینها یک ورق نازل کوچکی از عالم را دیدند و اقناع شدند به همان. آنهایی که می‌گویند که ما انسان را، شناختیم اینها یک شبیحی از انسان، آن هم نه انسان، شبیحی از حیوانیت انسان را شناختند و گمان کردند که انسان همین هست. آنهایی که ادعا می‌کنند که ما اسلام شناس هستیم اینها هم یک چیزی از این مرتبه نازل اسلام را دیدند و به همین قناعت کردند و گمان کردند که اسلام را شناختند. انسان مرتبه طبیعتش از همه مراتبش نازلتر است؛ منتها محسوس ماست. ما که طبیعی هستیم و الآن در عالم طبیعت هستیم، این محسوس ما را گاهی اشباع می‌کند. معنویت نیست الآن، محسوسات هست. اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید است. تعلیمات اسلام تعلیمات طبیعی نیست، تعلیمات ریاضی نیست؛ تعلیمات طب نیست؛ همه این را دارد لکن اینها مهار شده به توحید. برگرداندن همه طبیعت و همه ظلهای ظلمانی به آن مقام نورانی، که آخر مقام الوهیت است. بنابراین، ما از آن هم تمجید می‌کنیم؛ تعریف می‌کنیم؛ همه علوم طبیعی، همه علوم مادی؛ لکن آن خاصیتی که اسلام از اینها می‌خواهد در غرب از آن خبری نیست. اگر هم باشد فقط یک چیز نازلی است. اسلام برای برگرداندن تمام موجودات طبیعی به الهیت و تمام علوم طبیعی به علم الهی آمده است. از دانشگاه‌ها هم این معنا مطلوب است. نه اینکه خود طب را - البته طب هم باید باشد، علوم طبیعی هم همه باید باشد، معالجات بدنی هم باید باشد - لکن مهم آن مرکز ثقل است که مرکز توحید است. تمام اینها باید برگردد به آن جهت الوهیت. فرق ما بین علوم اسلامی در همه طرف، در همه جا با سایر علوم این است که یک علاوه در اسلام هست که این علاوه در آنجا نیست. آن علاوه‌ای که در اسلام هست، آن جنبه معنویت و روحانیت و الوهیت مسئله است. خواجه نصیر که در این دستگاهها وارد می‌شد نمی‌رفت وزارت کند؛ می‌رفت آن‌ها را آدم کند. نمی‌رفت برای اینکه در تحت نفوذ آن‌ها باشد. می‌خواست آن‌ها را مهار کند تا آن اندازه‌ای که بتواند. کارهایی که خواجه نصیر برای مذهب کرد، آن کارهاست که خواجه نصیر را خواجه نصیر کرد؛ نه طب خواجه نصیر و نه ریاضیات خواجه نصیر. آن خدمتی است که به اسلام کرد.»



امام خمینی دو تصویر از علم ارائه می‌کنند. یک تصویر همان تصویر علوم غربی حاضر است. علمی که هدفش تنها مادیات و راحتی و آسایش مادی انسان است. اما تصویر دوم نگاهی توحیدی به علم است. حال این تصمیم ما است که می‌خواهیم پیجوی کدام تصویر از علم در ۵۰ سال آینده باشیم. من فکر می‌کنم در جمهوری اسلامی یک نگاه جدیدی به بحث علم و علوم طبیعی ولو مهندسی شکل می‌گیرد. علت این پیش‌بینی هم بارقه‌هایی است که الان وجود دارد. وقتی بعنوان مثال توسعه صنعت موشکی را نگاه می‌کنیم که توسط شهید تهرانی مقدم انجام شده است، تفاوت آن را با توسعه صنعت موشکی ایالات متحده درک می‌کنیم. ما می‌توانیم جنبه توحیدی توسعه صنعت موشکی توسط شهید تهرانی مقدم را درک کنیم.

۸.۳ آقای نریمان؛ دانش‌آموز

۵۰ سال آینده نسبت به زمان حال دگرگون است. برخی از این تفاوت‌ها تلخ هستند؛ مانند کمبود آب و نفت و گاز و جنگ، برخی زیبا و دلنشین و وابسته به تکنولوژی و برخی تلفیقی از این دو. نظر من این است که هیچ‌کدام از آینده‌های متصور حقیقی نخواهد شد مگر اینکه ما خود دست‌به‌کار شویم. اعمال ما باعث ساخت آینده خواهد شد. مثلاً در یک کلاس اگر همه بچه‌ها به جز چند نفر نظم را رعایت کنند، همین چند نفر مانع رشد بقیه بچه‌ها خواهند شد. چیزی که اعمال ما را درست می‌کند نوع تربیت، اعتقاد و فرهنگ ما است. بهترین راهی که می‌توانیم آینده خود را بسازیم این است که بهترین اعمال را انجام دهیم و نوع تربیت و فرهنگ و اعتقادات درست داشته باشیم.



۹.۳ خانم طاعتی؛ آینده پژوه و مدرس دانشگاه

برای تمدن سازی قاعدتا نیاز به توازن داریم. اشاره کردند زیر بنای تمدن سازی مساله فرهنگ است. اگر بخواهم تصویری از ۵۰ یا ۱۰۰ سال آینده ارائه بدهم این است که بحث فناوری اطلاعات و شارش اطلاعات جهانی و بیداری جهانی و مسائل دیگر انسانی باعث خواهد شد توازن ها ایجاد شود. وقتی تحلیل وضعیت حال می کنیم ناتوانی در بسیاری از جاها دیده می شود. مثلا در حوزه تکنولوژی های خاص، ما پیشرفت های خوبی داریم که بخشی از آنها مبتنی بر ایدئولوژی هم هست اما به بحث های اجتماعی مان کمتر پرداخته ایم.



من امید دارم ناتوازی‌ها به مدد هم شارش اطلاعات و مطالبات و جوان‌ها و نوجوان‌هایی که خوب فکر می‌کنند و اطلاعات را بصورت هوشمند تحلیل می‌کنند، برطرف شده و به تمدنی که آرزو داریم می‌رسیم.

۱۰.۳ خانم چیتی؛ کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

محور اصلی تمدن اسلامی، علم و روش برگرفته از علم است. پایان نامه من بررسی امت واحده در نظریه اسلامی روابط بین‌الملل بود. امت واحده در اصل یک ساختار قبل از تمدن اسلامی است. وقتی از تمدن اسلامی حرف می‌زنیم باید یک مرحله قبل از آن را ایجاد کنیم که همان «امت واحده» است. من برای فهم امت واحده باید هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را استخراج می‌کردم. چون مباحث علوم سیاسی روی این مبانی کار می‌کند و بر اساس آن نظریه استخراج می‌شود. اینکه انسان چیست، سرشت انسان چیست و ابزار شناخت چیست.



ما در علوم مختلف بحث انسان الهی را استخراج کردیم و می‌دانیم انسان الهی چیست. نکته مورد غفلت ما و اینکه هنوز نتوانستیم علوم انسانی را دچار تحول کنیم، واسط انسان الهی یعنی «امام» است. انسان الهی یک واسطی دارد از انسانی که ما هستیم و انسان مادی با عالم غیب، آن واسط امام است که نقش تعیین کننده در فهم ما از انسان و در فهم ما از سرشت انسان و ابزار شناخت انسان و مدل و الگو سازی روابط دارد.

امام نکته بسیار مهمی در علم است و در اصل امام دال مرکزی علم است. این ادراک و فهمی که ما داریم بواسطه اتصال ما به غیب است و این اتصال بواسطه امام است.

اگر ما بحث توسل، اتصال به امام و بحث عقل فعال را در نظر بگیریم که این ها در فلسفه اسلامی ما هست و ما می‌توانیم بر اساس آن مدل و الگو را ایجاد کنیم، ما انسان ۵۰ سال آینده را انسانی نه لزوما متکی به ماده برای فهمیدن می‌دانیم.

تصویر سازی تمدن غرب برای انسان ۵۰ سال آینده، انسان نیمه ربات است که تراشه در مغز و در چشمش کار شده تا قدرت عقل و بینایی او بیشتر شود. در حالی که انسان تمدن اسلامی، انسانی است که بدون ماده قادر به طی الارض است. قادر به فهم و خواندن ذهن دیگری و جا به جایی اجسام است. در قرآن می‌بینیم وزیر حضرت سلیمان تختی را از جایی به جای دیگر جا به جا می‌کند؛ چرا ما این انسان را در علممان سانسور می‌کنیم و به تبیین مدل و چگونگی این انسان نمی‌پردازیم؟ ما جسارت پرداختن به این مفهوم در انسان الهی که نمونه‌اش را در انسان معاصر هم داشتیم نداریم. آیت الله بهجت از علم سانسور می‌شود. او نمونه انسان آینده است که قادر به طی الارض و خواندن ذهن و

دخل و تصرف در ماده بود.

انسان در تمدن چنین انسانی است و قادر است تحول در علم ایجاد کند و قادر است دخل و تصرف در ماده فراتر از آنچه که امروزه وجود دارد داشته باشد.

۱۱.۳ آقای رسولی؛ مدرس فیزیک دانشگاه کمبریج انگلستان

می‌خواهم یک مثال ساده بزنم. چند سال قبل، در مطبوعات ایران گفته شد که شرکت‌های تولیدکننده مرغ، جوجه‌های یک‌روزه را برای حفظ تعادل بازار زنده به گور می‌کنند؛ یعنی مازاد جوجه را در یک چاله ریخته و روی آن خاک می‌ریزند! این مطلب واکنش جامعه را برانگیخت. من یادم هست شرکت‌ها گفتند ما همیشه این کار را می‌کردیم؛ و از آن طرف وقتی با متخصصین اقتصادی صحبت کردم، گفتند کار درستی می‌کنند! این جا است که نگاه توحیدی وسط می‌آید، چطور؟ یکی از واکنش‌ها مربوط به آقای بروجرودی بود - که شاید آن زمان رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس بودند. - ایشان در مقابل این اتفاق ایستاد؛ و مثالی از کتاب آیت الله جوادی آملی (مفتاح الحیات) زدند. در مفتاح الحیات بحث می‌شود که انسان مسلمان باید با طبیعت چگونه رفتار کند؛ این کتاب مبنای نظری شد، برای حمله به این رفتار شرکت‌ها.

سؤال: آیا ۵۰ سال آینده، هم‌چنان شرکت‌های تولید جوجه در ایران - که ان‌شاءالله بزرگ‌تر شده و خاورمیانه را پوشش می‌دهند - باز هم مازاد جوجه‌هایشان را زنده به گور خواهند کرد؟ یا این‌که به لطف تمدن اسلامی راه حل دیگری پیدا می‌کنند؟ اگر راه‌حل فعلی را کپی کرده، بعد ادعا کنیم که تمدن ما توحیدی است، تنها خودمان را گول می‌زنیم! نگاه مبتنی بر وحدت وجود به همه‌ی هستی، به ما اجازه نمی‌دهد نسبت به تکرار چنین رویه‌ی غلطی بی‌تفاوت باشیم. من جوجه را مثال زدم، مثال‌های بسیار بدتری در جامعه انسانی وجود دارد. اما، آیا کسی در این مدت به این مطلب فکر کرده است؟ من با اساتید صنایع دانشگاه تهران و شریف هم صحبت کردم، و با صراحت گفتند که شرکت‌ها کار درستی کرده‌اند! حال، اگر شما توانستید یک پایان‌نامه‌ی دانش‌گاهی پیدا کنید، که بدون این‌که منافع بلندمدت شرکت‌های تولید جوجه را در خطر قرار دهد، راه‌حلی نشان بدهد؟ راه‌حلی که نیاز به این عمل غیراخلاقی و غیر اسلامی هم نباشد. اگر چنین پژوهشی وجود داشت، ما یک قدم کوچک برداشته‌ایم. اما اگر چنین کاری نکنیم، ما تنها روش‌های تمدن فعلی را کپی کرده‌ایم، و بعد مکرر می‌گوییم چرا تناقض‌های اطراف‌مان بیشتر می‌شوند؟ خب انتظار داریم نشوند؟

من اشاره کردم به «مفتاح الحیات»، به این علت که بخشی از وظیفه‌ی نظریه‌پردازی و تولید فکر را در این ماجرا به‌دوش گرفته‌است. یعنی اگر نظریه‌پردازی نکنیم - مثلاً اگر این کتاب وجود نمی‌داشت - بازهم جامعه‌ی ما از دیدن این صحنه‌ها ناراحت می‌شد، اما مبنایی فکری برای محکوم کردن نداشت. مجبور بود، بیش‌تر حرف‌های کلی بزند. وجود همین یک کتاب، بخشی - و نه همه‌ی - فرایند تصمیم‌سازی برای قضاوت در این مورد را ساده می‌کند،

این مثالی از کارکرد نظریه‌پردازی است؛ و ما به آن به‌شدت احتیاج داریم.

۱۲.۳ آقای موسوی؛ دانش‌آموخته شیمی

تغییر زمانی بوجود می‌آید که نگاه خلاقانه داشته باشیم مثلاً جای کشتن جوجه‌ها آن‌ها به روستاهای محروم که از لحاظ اقتصادی طبقه‌ی پایین هستند به عنوان یک نوع نذر یا بخشش بدهیم که جوجه‌ها را بزرگ کنند. در مورد آمار اگر ما خودمان را با کشورهای خارجی مقایسه کنیم یک زاویه دید به انسان می‌دهد چون سیستم اقتصادی که در کشورشان پیاده کردند فرق می‌کند، یک زاویه دید هم این است که با دهه‌های قبل خودمان مقایسه کنیم که روند ما کاهش یا افزایشی بوده است.



۱۳.۳ آقای مسعودیان؛ بنیاد توسعه فردا

نه فقط یک بازوی مباحث فناورانه علوم انسانی است بلکه اساساً رهبری جهت‌گیری و استراتژیک به سمت مباحث فناورانه و پیشرفت از این جنس، با علوم انسانی است. من فکر می‌کنم دنیای آینده دنیایی است که با توجه به رشد تکنولوژی، حکمرانی پخش می‌شود و کسی که بتواند بسیج اراده‌ها را انجام دهد سهم قابل قبولی داشته باشد.



نیاز بشر به غایت و اینکه هر چیز را در منتهای خودش ببیند و داشته باشد، باعث تکثر و تنوع شده است به نظر من در دنیای آینده به مقصد نرسیدن دستگاه شناختی بشر کار دستش می‌دهد. اگر ما در چهارچوب توحیدی فکر کنیم و تصمیم بگیریم، «چگونگی فعال‌سازی جوامع با توجه به نگاه توحیدی» موضوعی است که باید به آن فکر کنیم. اینکه نگاه توحیدی اثر خود را روی تعریف مساله، روی اولویت و روش برخورد و بسیج ظرفیت‌ها می‌گذارد در این شکی نیست ولی این چگونگی فعال‌سازی به نظر من بحث مهمی است. رهبری علوم انسانی است. رهبری مساله‌ها حتی در بخش فناوری و نوآوری با علوم انسانی است.

۱۴.۳ آقای علی محمد سلطانی؛ مسئول صندوق حمایت از پژوهشگران کشور

من می‌خواهم در مورد «علم‌آفرینی» صحبت کنم. صحبت شد که در علوم طبیعی اشکالی ندارد که دیگران باشد اما در علوم انسانی و اجتماعی باید خود ما علم‌آفرینی کنیم ولی طبیعتاً اگر در علوم طبیعی هم با علم‌آفرینی کنیم ارزش بیشتری دارد.



اگر ما بخواهیم علم‌آفرینی کنیم باید سرمایه گذاری کنیم و درخت گردو بکاریم. ابزار تولید علم هم پژوهش است. در آینده متصور، ما پژوهشگر و تولیدکننده علم هستیم. و کاشتن درخت گردو را نباید فراموش کرد. ممکن است ۲۰ سال کار شود تا یک انباشت دانش صورت بگیرد. باید ساختار بسازیم و برنامه‌ریزی کنیم. در کتاب خط مقدم هم رشد تدریجی نشان داده می‌شود. یک برنامه ریزی‌ای می‌شود و پیشرفت کوچکی اتفاق می‌افتد و بعد براساس آن پیشرفت بعدی و پیشرفت بعدی. اگر این کار را نکنیم در سال‌های آینده ما علم‌آفرین نخواهیم بود و مجبور هستیم در علم دنیا حرکت‌هایی انجام دهیم.

۱۵.۳ آقای فاتح راد؛ پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف

ما معمولاً با تفکیک امور به سر می‌بریم و کمتر به نسبت امور و واقعیات می‌پردازیم به ویژه اینکه نسبت شان پویا داشته باشد. چه نسبتی بین نظر و عمل وجود دارد؟

به زبان دیگر می‌توان علم را نظری دانست، نوآوری را عملی دانست و فناوری حلقه واسط بین نظر و عمل و این عرصه‌ها عالمان و فناوران و نوآوران حقیقی یا حقوقی دارند.

در فضای سیاست‌گذاری علم و فناوری برخی بحث از dependency path Technology یا وابستگی به مسیر می‌کنند یا Locked in قفل‌شدگی در مسیر توسعه. در فضای فلسفه تکنولوژی determinism Technology تعیین‌گرایی تکنولوژیک که مکاتب و نظرات و صاحب نظر دارد.



بسیار حائز اهمیت است که در این شبکه امکان تغییر و تحول وجود دارد. چون هوش مصنوعی هم کمک می‌کند آمار تعیین کننده نیست. این شبکه در دلش کانون‌هایی دارد. چگونه به این کانون‌ها می‌رسیم؟ این کانون‌ها اولویت‌ها و مسائل است و این شبکه خود مبین نظام مسائل. اگر برجستگانی حقیقی و حقوقی در مورد شبکه نظر بدهند ممکن است تعدادشان کم باشد ولی همین نظر و نگاه می‌تواند در شبکه تحول ایجاد کند و شبکه را دگرگون کند بنابراین ما تحت سلطه تکنولوژی نیستیم.

سعی کردیم الگو جدید در این عرصه مطرح کنیم که چگونه می‌توان این شبکه و کانون‌ها را به سمت اخلاق برد؟ در فضای شبکه یکسری ویژگی اصلی وجود دارد؛ زیرساخت، زبان تعامل، پروتکل‌ها و شأن اعتماد. چگونه می‌توان اعتماد را در شبکه به سمت اخلاق فرا برد؟ همه نکات که عرض شد من اسمش را «پود» می‌گذارم و این حرکت از واقعیت موجود (عمل، نظر و حلقه واسط) به سمت اخلاق در اجتماع است و پود، بی‌تار نمی‌شود. تار چیست؟ تار منظومگی سیاست‌ها و قوانین است.

انقلاب کبیر فرانسه ۲۴۰ سال حدوداً ۳ هزار قانون داشته است. مجلس ما از اول مشروطیت بیش از ۱۲ هزار سیاست‌های کلی حدود ۲ هزار. هزاران سیاست اجرایی و آیین‌نامه داریم ۱۰۰ ها سند ملی داریم. منظومگی سیاست‌ها و قوانین چه معنی‌ای دارد؟ اگر منظومه نفع و پول به اخلاق در اجتماع می‌رسد منظومگی سیاست‌ها و قوانین امکان رسیدن به «اخلاق در حاکمیت» دارد. امیدواریم تار در پود الگوی تمدن نوین اسلامی باشد.

۱۶.۳ آقای نصر اصفهانی؛ مرکز پژوهش های مجلس

نادرتین چیزی که در جهان وجود دارد آینده است. محالی است که خیلی سخت و پیچیده می توانیم آن را درک کنیم. ما به سادگی آینده مند نمی شویم و تصویر از آینده پیدا نمی کنیم. معمولاً آینده همان حال ما است و حال را تکرار می کنیم. هزینه آینده مند شدن بسیار بالا است. از طرفی آینده ویژگی اکنون ما است. اکنونی که در میدان قدرت و در منازعه تاریخی ساخته می شود. آینده ما از اکنون ما ساخته می شود و اکنون ما از میدان قدرت و منازعه تاریخی ای که بازیگران مختلف با هم دارند و طرحی برای ما می سازند.



جهان فعلی ما برآمده از یک طرح قدرت است. طرحی از سیاست که الهیات ما، علوم انسانی و علوم زیستی ما و علم و فناوری و مهندسی ما را شکل می دهد. در واقع اگر بخواهیم درباره آینده فهم کنیم باید طرح قدرت را برای آینده بفهمیم. آینده برآمده از این اتفاقات است که در میدان خطر و در میدان رویارویی قدرتمندان ساخته می شود. الان بین ۲ ساحت جنگ است؛ تسلط بر فضا، که شاید زمین بازی آینده بشریت باشد و تسلط بر ذهن. این دو ساحت و اینکه چطور در فضای قدرت و سیاست ورود کنیم، تصویر آینده علم و فناوری ما را می سازد. چیزی که من الان از نیت صاحبان قدرت و نیت بازیگرانی که به دنبال قدرت هستند، و بازیگران دیگری که دنبال علوم انسانی و نوآوری های اسلامی و انسانی هستند این است که دنبال معنای جدیدی از انسان هستند. اگر بتوانیم روایت قدرت را در میدان قرار بدهیم آن معنای انسانی هم از علم خلق می شود ولی اگر قدرت یا politic علم

از سوی ما شکل نگیرد علم انسانی و اسلامی هم شکل نخواهد گرفت.

۱۷.۳ خانم سلامتی؛ متخصص رادیولوژی و سونوگرافی

اول می‌خواهم به ضرورت شبکه سازی که استاد بهرامی فرمودند تاکید کنم. من با توجه به رشته و نوع کارم، باید در لحظه از دانش و تجربه و مهارت و تخصص استفاده کنم و تصمیم گیری کنم. در گذشت زمان متوجه شدم اگر چه در دانشگاه سعی شد با یکسری واحد ها و آموزش ها مفاهیمی به ما منتقل شود اما مفاهیم علوم انسانی در ذهن درست شکل نگرفت و من سعی کردم با مطالعه به نقص غلبه کنم و حضور در کافه آینده باعث شد که با افراد مختلف آشنا شوم.

تمام افرادی که اینجا هستیم اگر چه در مورد علوم انسانی صحبت می‌کنیم در حیطه های مختلف آموخته ایم اما کنار هم قرار می‌گیریم که شبکه درست بشود. من از دیدگاه خاص و نوجوان از یک دیدگاه و هر کس از دیدگاه خودش نگاه می‌کند. کاری که ما در سیستان می‌کنیم هم شبکه سازی است. در غیر این صورت کار از بین خواهد رفت پس اگر می‌خواهیم آینده داشته باشیم باید شبکه سازی کنیم.



نوجوانان ما در گذشته همه رشته های ریاضی می‌رفتند و خیلی از بزرگترهای ما همه مهندس شدند. نسل ما دنبال تجربی رفت و ما پزشک شدیم. نسل بعد ما همه دنبال علوم انسانی رفتند و جالب بود که ما این تغییر نگرش در

خانواده را داشتیم و آزاداندیشی در خانواده وجود داشت که اجبار به انتخاب رشته خاص نبود در نهایت این نشان دهنده تشنگی ذات انسان است که به دنبال رفع نقایص از طریق علم است و باید برای علوم انسانی در آینده سرمایه‌گذاری کرد. اگر می‌خواهیم آینده‌ای برای خودمان متصور بشویم چه در حد کشور چه حد جهانی، باید روی علوم انسانی کار شود و این شبکه‌ها قوی‌تر شود. ماهی یک جلسه ۲-۳ ساعته کفایت نمی‌کند و باید حضور فعال‌تر و پررنگ‌تر داشته باشیم.

ما در احادیث و آیات قرآن داریم که اگر تقوا بورزید و در راه خدا قدم بردارید درهایی از علوم به روی شما گشوده خواهد شد. وقتی نوجوان بودم احادیث مربوط به ظهور امام زمان را می‌خواندم که در زمان باب‌های از علم گشوده می‌شود که انسان ندیده است و با خودم فکر می‌کردم پس ما به آن توانایی می‌توانیم برسیم. هر وقت کم می‌آوردم به خودم می‌گفتم از ظرفیت خودت استفاده نکردی. ما احتیاج داریم و اگر می‌خواهیم نقش موثرتری داشته باشیم باید گفتگوهای بیشتری داشته باشیم.

۱۸.۳ خانم صفوی‌فر؛ اندیشگاه سرو - روانپزشک

نکته‌ای از زاویه روان‌پزشک بودنم بگویم. آمارها خیلی خوب است که مستند ما قرار بگیرد اما آمار می‌تواند گمراه‌کننده هم باشد. به طور مثال در آمار خشونت نسبت به زنان در کشوری مثل سوئد بالا است بعد برخی ابراز خوشحالی می‌کنند که آمار ایران کمتر است. اما مساله این است که آنچه به عنوان خشونت تعریف می‌شود در ایران و سوئد متفاوت است. آن‌ها مسائلی را خشونت حساب می‌کنند که برای ما امر روزمره است. از آن طرف هم در آن‌جا مسائلی خشونت حساب نمی‌شود که از نظر ما و از نظر اسلام ظلم پایه‌ای و بنیادین به خلقت زن است. ما باید دنبال تعاریفی باشیم که متصل به ارزش‌ها و اخلاق ما باشد.



سال‌ها به ما گفته‌اند علم بسیار بی طرف است و در ذات خویش اخلاقی را تعریف و تبلیغ می‌کند که بر اساس آن می‌توان جلو رفت، نه اصلاً چنین نیست. اگر ما بتوانیم ارتباط و اتصال و پیوستگی علوم تجربی و طبیعی و آمار و اطلاعات را با تعاریفی که مبتنی بر ارزش‌ها و باورها تعریف کردیم برقرار کنیم و علم را از حالت جهان شمول و عینی و بی طرف بودن خارج کنیم، آن موقع است که بر مبنای هویت خودمان یک سازه علمی ساخته و جلو برده‌ایم. این راهی است که ما فکر می‌کنیم در دانش سلامت باید پیموده شود و اگر بتوان اتصال ارزش به دانش را برقرار کرد می‌توانیم آن‌را به هویت خودمان متصل کنیم.

۱۹.۳ آقای یزدی؛ پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف

آیا تصویرسازی از آینده کار صحیح و مفیدی است؟ با رویکرد آینده پژوهی و آمار خیر. در دنیای که نوسانات شدید است و مسائل طی شش ماه به هم ریخته و تغییر می‌کند و دگرگون می‌شود و اتفاقات آخرالزمانی است این روش‌ها جواب نمی‌دهد. ضمن اینکه برای تصویرسازی آینده اگر به حدس و گمان‌ها رجوع کنیم وقتمان تلف می‌شود. ولی اگر مشابه صحبت سرکار خانم چیتی، مبنای‌ای داشته باشیم که روی آن حساب کنیم این ارزش دارد چون به جایی وصل است و تصویر ساخته شده ما را به بیابان برهوت نمی‌برد.



نکته بعدی **يَمَلَأُ اللَّهُ بِه الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا**، پایه اصلی آینده ما امام است و ظهور و جامعه به جای فناوری، نقطه تمرکز شود. که جامعه همان طور که از ظلم و جور پر می‌شود یک باره از عدل و قسط پر خواهد شد و آدم‌ها به نقطه‌ای خواهند رسید و بیش‌تری پیدا می‌کنند که این را رقم خواهند زد.

وقتی اسم شبکه‌سازی می‌آید، با مفهوم غربی نگاه می‌کنیم. انگار شبکه‌ای در خدمت من است و چون قدرت توزیع شده است من به هدفم می‌رسم اما در رویکرد دینی چنین نیست بلکه افراد خود باید به آن نقطه برسند نه اینکه افراد شبکه ابزاری دست شما باشند.

ما فهم عقول را انفرادی می‌فهمیم درحالی‌که فرهنگ و علم جمعی که همه به آن باور دارند مثل علوم انسانی باید به نقطه‌ای برسد که همه این حرف‌ها که شاید به آن بخندند یا باور نکنند بدیهی شود و این خواهد رسید. در نهایت اینکه از علم موشکی گفتند که با غرب فرق دارد یا نه، هر کس فلسفه علم بخواند یا مطالعات اجتماعی، برایش مبرهن است. علم با ارزشها مرتبط است. مثال ساده اش این است که وقتی ما یک موشک را توسعه می‌دهیم و طرح می‌زنیم بسیار جزئیات ریز طراحی دارد، چه فنی و چه اجتماعی، تمام این‌ها وقتی مرور کنیم که از کجا به ذهن ما می‌آید، شاید بتوانیم سرنخی پیدا کنیم. تک تک لحظه‌های فکری ما از جای دیگری می‌آید و دست ما نیست.

۲۰.۳ سخن پایانی؛ آقای بهرامی

من از این بزرگان آینده آقای نریمان و آقای شمس و بقیه لذت بردم که همه فکر کرده و تراشوات فکری دارند. یک جمله آقای نریمان جوان گفتند که « اگر آینده خودت را نسازی وارد آینده دیگران می شوی » گرفتاری ما این است که ما وارد آینده غربی ها شدیم و حالا دلخور هستیم.

سفری در طول مسیر بین ماورا و طبیعت وجود دارد نه می توانی آن طرف بمانی نه این طرف بمانی، ابوعلی سینا به آن عمل می کرد، سهروردی را اعدام کردند این ها کسانی بودند که آن سمت می رفتند و چیزی می آوردند و این طرف بیان می کردند.

به ابوعلی سینا می گفتند تو دائم الخمر هستی! به خاطر اینکه فکر می کردند بیشتر وقتش را در ماورا گذرانده. او به اندازه همه ابدیت در عمر کوتاهش مطلب نوشته که هنوز بزرگان فلسفه باید شفا جلوبیشان باشد و بخوانند و کسی را ندیده ام که از حفظ شفا درس بدهد.

مهندسی یک علم عجیبی است؛ فیزیکدان ها همه چیز را می دانند، ریاضیدانان تمامی روش های حل مساله را می دانند؛ منتهی اگر بگویند انیشتین این هواپیما را ساخته بعید می دانم کسی سوار آن بشود. یا اگر بگویند خانم میرزاخان این کشتی را ساخته بعید می دانم کسی سوار آن بشود. اما مهندس ها با تقریب هایی که به فیزیک و ریاضی می زنند کار می کنند. وقتی میگویند بوئینگ یا ایرباس این هواپیما را ساخته همه سوار می شوند چون یک نوع برداشت از این فیزیک و ریاضی را بکار می گیرند.

علوم انسانی کلیدی است اما چه زمانی؟ شما وقتی می خواهید وارد هواپیما شوید لازم است سرتان به سقف نخورد و هوا تهویه بشود و ... این ها همه ادبیات علوم انسانی است. شما وقتی در مورد انرژی با زغال حرف بزنید متخصص امروزه بدرد نمیخورد که کدام درخت را بچینید که زغال خوبی بشود. شما اقتصاد سبد انرژی دارید در نتیجه فناوری به هر شکلی که شکل می گیرد بقیه در خدمت آن هستند. شما آلودگی تان به خاطر تکنولوژی شکل گرفته است. این ها موضوع علوم انسانی است که درباره آن باید بحث بشود. من فکر می کنم همه ما در مورد یک چیز صحبت می کنیم من مهندس و اهل مطالعه تکنولوژی در حد توان، من تکنولوژی را محوری می بینم. ادبیات جدید میطلبد که به فهم واحد برسیم. از حضرت امام خواندند، برای اینکه آن حرف ها را تبدیل به این کنید که من یاد بگیرم آقای بهجت می تواند ماورا برود و برگردد و به من مهندس کمک کند یا به من یاد بدهد خیلی کار است.



۱۵-۲۰ سال گذشته بحثی به نام هواپیما بعدی بود. می‌گفتند هواپیما ۱۰۰۰ نفره می‌خواهیم. ایرباس ۳۸۲ را ساخت که ۷۰۰-۸۰۰ نفر سوار می‌کند اما مشکلش این است که در فرودگاه خاص می‌نشیند. مشکلش این است که وقتی می‌نشیند تمام سیستم گمرگ بهم می‌ریزد. بوئینگ ۷۷۷ را ساخت و تا توانست در آن کامپوزیت بکار برد. خوب برنده بوئینگ بود که به فکر تکنولوژی‌های نو بود.

دانش ساخت موشک و پهباد را از کجا گرفتیم؟ این در آن شبکه علمی برقرار است و شما به عنوان یک نود در شکل‌گیری شبکه موثرید و باید بدانیم که در آینده هوش مصنوعی، اتوماسیون، حرکت در فضا و زیر دریا و ... دنیای بسیار متفاوتی است.

۴ تحلیل کاربرگ‌های نشست

۱.۴ سناریوهای ترسیم شده

سناریوی کشف اسرار طبیعت و فهم بشر از اسرار بنیادی آن

یادداشت‌های شرکت کنندگان نشست سی‌وهشتم در مورد آینده علوم بنیادین در ایران اسلامی سه آرزوی اصلی را مطرح کرد.

- پنجاه سال دیگر شاهد علم آفرینی و پیشتازی در کشف اسرار خلقت بشویم.
- تلاش علمی منجر به ایمان بیشتر مردم و خداشناسی و خداپرستی بیشتر شده باشد.
- منافع این پیشرفت علمی عادلانه و اخلاقی در اختیار همگان قرار گرفته باشد.

که البته تصویرسازی از وضعیت علمی پنجاه تا صدسال آینده علوم بنیادین در ایران اسلامی و تمدن اسلامی صورت نگرفته و تلاش بیشتری برای تصویرسازی آن باید انجام شود.

سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری‌های اجتماعی آینده

دو سناریو برای علوم انسانی و نوآوری‌های اجتماعی در آینده پنجاه تا صد سال ایران و جهان اسلام، مبتنی بر یادداشت‌های هم‌کافه‌ای‌ها ترسیم شد:

● سناریو ادامه وضع موجود

توسعه تمدنی بدون تکیه بر دین، وحی و قرآن. در این حالت به دلیل استفاده ابزاری از دین توسط کارگزاران فاسد، امکان‌پذیری اداره جامعه بر اساس دین کم‌رنگ‌تر می‌شود. تمدن‌سازی مبتنی بر این نگاه سطحی و پرتزویر، غیر ممکن خواهد بود. این علوم انسانی تا به حال برای دنیای پس از مرگ نتوانسته دستور کاری ارائه نماید و بیشتر آن را خراب کرده است و نقایصی هم در دنیای مادی خود بوجود آورده است. نیل به تمدن نوین اسلامی با تزویر و ریاکاری کارگزاران ناشدنی است.

● سناریو شکوفه‌های عقلانی

تغییر ابزار شناخت انسان از حس و تجربه به علاوه استفاده از شهود و عقل، قرآن و امام، نهایتاً شکوفایی عقل انسان را زمینه‌سازی می‌کند. فرزندان ما با تکیه بر آموزه‌های دینی بالاخره توانسته‌اند علوم اجتماعی را بومی و اسلامی ارائه دهند و آموزش‌عالی ایران قطب تدریس روانشناسی و روابط بین الملل و جامعه‌شناسی و سایر علوم انسانی با رویکرد اسلامی است. در مبحث علوم انسانی ما گنجینه ارزشمندی از امام اول شیعیان حضرت علی (ع) داریم که عمل به آن گفتارها قدر یقین منجر به باروری علوم انسانی و نیل به تمدن‌سازی ایران اسلامی خواهد شد و صدالبته تمدن‌سازی مستلزم تعامل سازنده با جهان پیرامون است. باید آسیب‌های اجتماعی شناخته شده و علت درمانی می‌شود.

در این سناریو، آینده از آن علوم انسانی توحید پایه خواهد بود و نه علوم انسانی تجربی‌گون. در اینجا البته عمیق‌تر که ببینیم آینده از آن ظهور و به تبع آن توحید و وحدت است. برای رسیدن به آن، فهم چگونگی پر شدن زمین از ظلم و جور شاید راهگشا باشد چراکه پر شدن آن از عدل و قسط به همان صورت خواهد بود. یعنی در اوج ظلم و جور از همان مسیر عدل و قسط با کمک آحاد مردم جهان که تشنه توحید شده‌اند جهانی جدید رقم می‌خورد. در این روایت، دیگر روایت کنونی غربی‌ها از آینده جعلی است و اتفاقاً ناشی از کوتاه‌بینی و فکر کردن در پارادایم کنونی.

لازم است در ادامه این دو سناریو، به جزییاتی نظیر موضوعات اولویت‌داری که پنجاه سال بعد درباره آنها کار علمی انجام خواهد شد و همین‌طور نحوه تعامل علوم انسانی و علوم بنیادی و کاربردی، بیشتر تصویرسازی شود.

سناریوی تسلط بر ماده و انرژی و توسعه علوم و فناوری‌های جدید

در تصویر پنجاه تا صدسال آینده علوم کاربردی، هم کافه‌ای‌های باز هم بر اهمیت رشد اخلاقی و معرفتی دانشمندان مسلمان تاکید کردند. به باور دوستان اگر تاکنون روند اصلی، استفاده بشر در جهت تسلط بر دیگران و استعمار و استثمار بوده است زین‌پس، مسأله محوری ایستادگی بر موضع حق خواهد بود و مردم حقیقت‌جو و آزاده از جریان حاکم زورمندان جهانی دل زده شده و به سوی جبهه موحدین گرایش پیدا می‌کنند و شبکه‌ای از دانشمندان، فیلسوفان، مهندسی‌ن و راهبران اجتماعی ایجاد می‌شود.

تصویری که دوستان هم‌کافه‌ای از آینده علوم کاربردی و فناوری‌های نو داشتند بیشتر مبتنی بر توسعه هوش مصنوعی و فناوری‌های نظامی و فضایی، البته به صورت مسوولانه بود. لذا هنوز تصویرسازی جامعی از آینده این علوم انجام نشده است.

طرح ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی و یا هر قالب دلخواه)

دانشمندان، آزمایشگاه‌ها، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پنجاه سال آینده چگونه خواهند بود؟

در قسمت دوم کاربرد پرسشی مطرح شد تا به بهانه آن امکان خیال پردازی و تصویرسازی آزاد و رها توسط دوستان هم‌کافه‌ای فراهم شود که یادداشت‌های متنوع دوستان را در هشت محور دسته بندی کردیم تا تنوع دغدغه و بحث‌هایی که از آینده به ذهنشان آمده است را بهتر متوجه شویم.

مهمترین سرفصل‌های طرح شده در ۱۲ کاربرد اخذ شده از میان ۴۰ کاربرد توزیع شده عبارتند از: ضرورت نهادسازی و تدبیر برای آینده درخشان علمی، امید به ظهور و رشد نسلی از دانشمندان متعهد و درستکار، نگرانی از ضعف‌هایی که داریم و همزمان آرزوهای بلندی که در سر داریم، مسأله تربیت و فرهنگ و اخلاق، پوشش لباس و تغییر سبک زندگی، دوگانه جهان ویران شده و تعالی فناورانه، فهم توحیدی پرچمدار توسعه آینده علم در ایران و تغییر ماهیت و طبیعت علم و فعالیت علمی در پنجاه تا صدسال آینده. در ادامه مروری بر مطالب طرح شده می‌کنیم:

● نهادسازی و حکمرانی خوب

- گفتمان سازی مبتنی بر تفکر و اندیشه‌ورزی با دو رویکرد ایجاد و ویرایشی رخ خواهد داد: رویکرد ایجاد منجر به خلق و آفرینش اندیشه می‌شود و رویکرد ویرایشی تفکر و اندیشه خلق شده را مورد سنجش استاندارد قرار داده و آن را محک زده و چکش کاری می‌کند.
- سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری‌های اجتماعی آینده بایستی بر پایه ایجاد، توسعه و ترویج تفکر و اندیشه‌ورزی خلاقانه و نقادانه، تبیین مبنا توأم با راه اندازی اندیشکده‌ها و کانون‌ها و هیئت‌های تفکر

و اندیشه‌ورزی مقیاس بالا انجام شود تا جبران کسری‌ها و عقب ماندگی‌های قبلی گردد.
- ندیشه‌گاه‌ها و موسسات فکری و اندیشه‌ورز متعدد در آینده شکل خواهند یافت.

● دانشمندان متعدد

- آینده دانشمندان ایران روشن است شاید تعداد خیلی زیادی دانشمند خیلی خوب وجود نداشته باشد ولی به نظر حتما تعدادی دانشمند عالی و با ایمان مثل شهید طهرانی مقدم خواهیم داشت.
- به نظر آینده روشن است. در کشور ما نوجوانان زیادی به دنبال ساخت آینده هستند. اما باید کمی به روزتر شویم و متوجه اهمیت و نیازمان به هوش مصنوعی Ai و ربات‌ها باشیم.

● آرزوهای بزرگ و دست‌نیافتنی، پای‌لنگان

با توجه به رشد روزافزون دانش و سرعت تحولات در عرصه‌های مختلف به ویژه در حوزه فناوری، پیش‌بینی‌ها بیشتر به تخیل و فانتزی و بازی می‌ماند. پس باید امروز بهترین تلاش‌ها را داشته باشیم که شاید اصلا فردایی نباشد. ما اهل شعار و شعر و تخیلیم. در کوچکترین امور روزمره اکنون خودمان درگیر و بی‌دست‌وپاییم اما حرف‌های بزرگ و رویایی برای جهان و انسان می‌زنیم.

● فهم توحیدی تابلوی اصلی آینده علم در ایران

- اگر ابزار ما برای شناخت، پژوهش به روش فعلی باشد به آینده آرمانی نمی‌رسیم. تقوا، اخلاص، اخلاق و توکل و مواردی از این دست از ابزارهای اصلی ما در پژوهش هستند. بدون این ابزارها ما نمی‌توانیم فهمی از توحید و علم توحیدی داشته باشیم و اگر کسی به این علم برسد نمی‌تواند آن را به غیر موحد آموزش دهد. بنابر مراتب توحید امکان دسترسی به علم انسانی و علم حقیقی وجود خواهد داشت و یا بنابر نقلی که از امام خمینی شد فرد غیر موحد نمی‌تواند به نگاه توحیدی به علم طب و یا سایر علوم طبیعی برسد. بنابراین باید ابزارهای ما برای کشف علوم تغییر کند و تکمیل شود.

- در دنیای آینده با پیشگامی ایران شبکه‌ای از موحدین شکل می‌گیرد که به‌عنوان یک قدرت بلکه ابرقدرت نوظهور رهبری اراده‌ها را به‌دست می‌گیرد و برای درک بهتر ماجرا باید به سوال «چگونگی فعال‌سازی جوامع با توجه به نگاه توحیدی» پاسخ دهیم.

- حرف از تسلط بر فضا، ذهن و سایر مسائل در یک لایه بسیار سطحی است و همه مرتبط با دانش تجربی و حسی. نوع تعریف از مساله با توجه به سیستم شناختی بر اولویت‌ها، روش شناختی و بسیج ظرفیت‌ها تاثیر خود را می‌گذارد.

- **صنعت مد و لباس‌های متفاوت، همگرایی علم، جامعه و فناوری**

همانطور که امروز لباسی برای نشان دادن تب کودکان تولید شده فناوری‌های پزشکی در شاخه پوشاک گسترش پیدا می‌کند. لباسهایی که دردها را التیام می‌دهند؛ لباس‌هایی که بدن را پاکیزه می‌کند؛ لباس‌هایی که از ابتلا به بیماری جلوگیری می‌کند و لباس‌هایی که کالری دریافتی و مصرفی را نشان می‌دهند.

- **دو گانه آینده مبتنی بر فناوری و آینده خراب شده از جنگ**

یملا الارض عدلا و قسطا کما ملیت ظلما و جورا. ۳۱۳ یار در یک سطح آمادگی و آحاد جوامع در سطحی دیگر

- **تربیت و فرهنگ و اخلاق**

- نوع اعمال با نوع تربیت ارتباط مستقیم دارد پس تربیت و فرهنگ است که اعمال ما را می‌سازد و اعمال ما آینده را. بنابراین بهترین، قطعی‌ترین و ساده‌ترین راه برای دستیابی به آینده زیبا، تربیت درست است.

- آیا فهم و عقول بشری به سطحی از تشنگی و کمال فردی می‌رسد؟

- **تغییر ماهیت علم**

- دنیای آینده دنیای رهبری مسأله‌هاست و از آن کسانی است که بر باورهای منظومه‌مند خود ایستادگی می‌کنند و آن را در فعالیت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی خود نشان می‌دهند. لذا اثر دستگاه شناختی بر یافتن راه‌حل‌های نوآورانه در حل مسائل انکار ناپذیر است.

- علم قبلا فرضیه پردازی و آزمایش بود که قسمت کمی از علوم کلی را تشکیل می‌داد. با گذشت زمان متوجه شدند گاهی باید نتیجه گیری دیگران را توسعه داد و فرضیه‌های دیگر بر آن سوار کرد. در حال حاضر دانشمندان بر همین پایه و اساس جلو می‌روند.

- بالاخره اهل علم به تکامل علوم کلی می‌رسند و متوجه می‌شوند حتی در علوم بی‌ربطی مانند شیمی نیز باید از اخلاق و الهیات بهره برد.

۵ معرفی کتاب

در نشست ۳۸ کافه آینده کتابهای مختلفی پیرامون آینده نگری در علم توسط خانم صفوی فر ارائه گردید. در ادامه به معرفی اجمالی این کتابها پرداخته شده است.

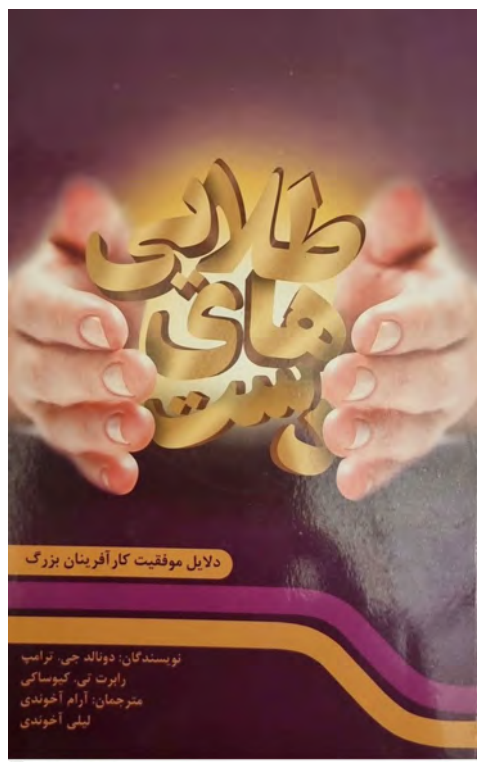


۱.۵ دستهای طلایی

کتاب دستهای طلایی به دلایل موفقیت کارآفرینان بزرگ می‌پردازد و نوشته دونالد ترامپ و رابرت کیوساکی است. آمارهای فروش کتاب کاملاً تأیید می‌کنند که در یکی دو دهه گذشته شاهد رشد فزاینده فروش کتابهای موفقیت، توسعه فردی و کارآفرینی بوده‌ایم. امری که به شدت هم‌پسته تحولات اجتماعی و پررنگ شدن فعالیت‌های موسوم به استارت‌آپی در ایران بوده است. در این میان صدای منتقدان و اندیشمندانی که این روند را با نگاهی از بیرون نقد می‌کردند به شدت ضعیف بوده است.

این کتاب از میان هزاران کتاب ترجمه شده در این حوزه انتخاب شده، به عنوان مثنی نمونه خروار، با اهمیت ویژه‌ای که ایده پرداز آن یعنی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا دارد. به این معنی که ادبیات و ایده‌های این چینی چه نمود سیاسی و عینی‌ای در بیرون دارد. دونالد ترامپ یکی از آینده‌های متصور پیش روی این نوع ادبیات است.

از سوی دیگر نام اصلی کتاب که اشاره به افسانه پادشاه میداس دارد نیز، نگاه ما را به ایده مبنایی مورد اشاره این ادبیات عمیق‌تر می‌کند. پادشاهی که دستهایی با قدرت جادویی طلاکننده داشت و سرنوشت فاجعه‌باری که دامنش را گرفت.



کتاب دست‌های طلایی

۲.۵ الف تای

کتاب الف تای روایتی از ورود ایران به سیاست‌گذاری توسعه فناوری نانو را بیان می‌کند و نوشته حسین زاهدی، فاطمه‌سادات رحمتی می‌باشد.

آیا اولویت ما در توسعه صنعتی کپی‌کاری و مهندسی معکوس باشد یا سراغ فناوری‌های مرزی و ”در لبه دانش” برویم؟

آیا خودکفایی در علم و فناوری یک ارزش است یا حرکتی رو به عقب و زمین‌گیرکننده از جنس اختراع دوباره چرخ؟

آیا بهره‌مندی از دستاوردهای دیگران در علم و فناوری به معنای آن است که هدف‌های سیاستی آنها را ما نیز هدف قرار دهیم؟

این پرسش‌ها و هزاران پرسش دیگر در زمینه سیاست‌گذاری علم و فناوری هیچ‌گاه پاسخ دقیق و یقینی ندارند و نمی‌توان از جستجو در میان کتاب‌های مرجع علمی آنها را یافت. هر کشور و جامعه‌ای ویژگی‌ها، امکانات و محدودیت‌های خاص خودش را دارد که از دل آن می‌تواند مسیری برای رشد و بالندگی آن طراحی شود. این کتاب تلاش دارد با ارائه روایتی همه‌جانبه از چگونگی سیاست‌گذاری توسعه فناوری نانو، به روی بخشی از این ویژگی‌ها

پرتو بیفکند و تجربه راه طی شده را چراغی برای راه پیش رو قرار دهد تا با شناخت بیشتر از زمینه‌های واقعی برای عرصه‌های دیگر نیز تدبیر کنیم.

برخی از عناوین ارائه شده در این کتاب مختصر، از این قرار است: درس‌آموزی از تجربه توسعه فناوری نانو فضای عمومی علم و فناوری ایران در آستانه ورود به فناوری نانو رخدادها و اقدامات دستگاه‌های کشور تا تشکیل ستاد نانو پشت صحنه سند راهبردی آینده ستاد توسعه فناوری نانو؛ نگرش‌ها، رویکردها و سیاست‌ها عوامل موفقیت‌ساز در تدوین سند راهبرد آینده و فعالیت‌های ستاد

این کتاب از انتشارت بنیاد توسعه فرداست و می‌توانید از سایت موسسه به نشانی www.farda.ir آن را تهیه فرمایید.



کتاب الف تا ی

۳.۵ خط مقدم

کتاب خط مقدم به داستان تشکیل یگان ویژه موشکی ایران با محوریت داستان زندگی شهید حسن طهرانی مقدم می‌پردازد و نویسنده آن خانم غفارحدادی است.

در این کتاب می‌خوانیم که چطور نیازهای ویژه دوران جنگ تحمیلی برای مقابله به‌مثل موشکی، در کنار محدودیت‌های

جدی آن دوران به شکل تحریم همه‌جانبه تسلیحاتی از سوی جهان، توانست شکلی از سیاست‌گذاری علم و فناوری را ایجاد کند که مبتنی بر پرسشگری، پشتکار و سخت‌کوشی و ایمان به "ما می‌توانیم" (و نه نبوغ و استعداد ذاتی اشخاص) به وجود آمد، رشد کرد و در خدمت دفاع از شهروندان مظلوم جنگ شهرها درآمد. مرور این داستان پرفراز و فرود و نفس‌گیر نشان می‌دهد که برخلاف تصور برخی از ما، علم و توانمندی فناورانه، امری از پیش تعریف شده، خالص و در خلاء نیست؛ بلکه وابسته است به زمان و مکانی که به آن نیاز می‌افتد، باورهایی که به ما انگیزه می‌دهد، روابط انسانی، میان تیم کاری و روابط بین‌الملل و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری. این داستان به ویژه در بحبوحه مبارزه نابرابر میان مقاومت فلسطینی با رژیم اشغالگر قدس می‌تواند خواندنی‌تر نیز باشد.



کتاب خط مقدم

۴.۵ مقاله نقد دوگانه‌های متعارف جامعه‌شناختی با تحلیل ساختار اقتصادی - اجتماعی

شرکت‌های استارت‌آپی

نویسندگان این مقاله محمد توکل، یوسف اباذری، منصوره خائفی هستند و در سال ۹۹ در نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران منتشر شد.

این مقاله نگاهی از منظر جامعه‌شناختی به ساختار استارت‌آپی در ایران است و تلاش دارد با تکیه بر نظریه آدورنو و سنت جامعه‌شناسی انتقادی چارچوب نظری مورد نیاز برای فهم این ساختارها را فراهم آورد.

نویسندگان معتقدند دوگانه‌های مفروض مانند عقلانیت/ناعقلانیت و سنت/مدرنیته گنجایش نظری لازم برای تحلیل این ساختارها را ندارند.

به نظر می‌رسد علوم اجتماعی ما با هر رویکردی که ریشه در آن دارند، بایستی این تعهد را داشته باشند که نسبت به تحولات روز اجتماعی و ساختارهای تازه‌ای که در جامعه ایجاد می‌شوند با نگاهی تحلیلی و تامل‌گرانه روبرو شوند و پشت علوم تجربی و فناوری را از بابت عقبه تفکرات و نظریات جامعه‌شناختی خالی نگذارند که این مقاله هم حاصل

چنین تعهد و تلاشی است.

این مقاله را می‌توانید از سایت www.ensani.ir مطالعه کنید.

مجله تحقيقات انسانی و مدیران / شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، ۵۸۷-۶۱۴

نقد دوگانه‌های متعارف جامعه‌شناختی با تحلیل ساختار اقتصادی-اجتماعی شرکت‌های استارت‌آپی

محمد توکل^۱یوسف اباذری^۲منصوره خائفی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۰۹

چکیده

در شرایط فعلی و با وجود اعتراضات و بحران‌های اجتماعی متفاوت، بیشتر مسئولان و سیاست‌گذاران اجتماعی و اقتصادی، سیاست‌هایی را مطرح می‌کنند که پیش از این بارها اجرا شده و به شکست و نارضایتی‌های اجتماعی متعددی منجر شده است. حال آنکه با توجه به ادعای این پژوهش، پیچیدگی مسائل کنونی و انزوای عینی یا ذهنی حاکم بر جامعه سبب شده است که حتی استفاده متعارف از دوگانه‌های مفهومی جامعه‌شناختی مانند عقلانیت-ناعقلانیت و سنت-مدرنیته نیز برای نقد روندهای موجود نایسند به‌نظر بیاید. روندهایی که هم‌اکنون اشکال مختلف سرمایه‌مالی از جمله استارت‌آپ‌ها را جایگزین صنعت و شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی را جایگزین عرضه عمومی سیاسی و فرهنگی کرده است؛ از این‌رو در این نوشتار به تبعیت از نظریه آرنو تلاش شده است تا نایسند بودن نگاه یک‌سویه و غیردیلکتیکی به این مفاهیم برای نقد کلیت اجتماعی فعلی و مسائل آن در ساختاری اضمحالی، یعنی ساختار شرکت‌های استارت‌آپی نشان داده شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این دوگانه‌ها تنها موضوعاتی معرفت‌شناختی نیستند که از جانب جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان برای تحلیل واقعیت اجتماعی ساخته شده باشند، بلکه سازنده نظم اجتماعی فعلی هستند؛ نظمی که در شرایط بحرانی (ناعقلانی) از جمله شرایط فعلی، میانجی انواع واپس‌روی به اشکال پیشامدرن سیاست و اجتماع است.

واژه‌های کلیدی: آنتروپرونر، سرمایه‌مالی، شرکت‌های استارت‌آپی، سنت-مدرنیته، عقلانیت-ناعقلانیت.

۱. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، mtavakol@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، yabazari@ut.ac.ir

۳. دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، khuefi.m@gmail.com

مقاله نقد دوگانه‌های متعارف جامعه‌شناختی با تحلیل ساختار اقتصادی- اجتماعی شرکت‌های استارت‌آپی

۶ عکسهای نشست

عکس دسته‌جمعی نشست ۳۸ کافه آینده در زیر ارائه گردیده است.



عکس دسته جمعه کافه آینده ۳۸ - آبان‌ماه ۱۴۰۲

در ادامه سایر عکسهای نشست تقدیم می‌گردد:







الف پوستر نشست



کافه آینده
سی و هشتم



پاییز ۱۴۰۲: ایران آینده، سرزمین دانایی

العلم سلطان

آینده علم در قرن پانزدهم هجری
سناریوهای تحول و پیشرفت علمی ایران و جهان اسلام در صدسال آینده

علوم انسانی چگونه خواهند توانست زیرساخت‌های تمدن اسلامی را بسازند؟
نوآوری‌های اجتماعی مورد نیاز تمدن اسلامی چگونه انجام خواهد شد؟
نگاه خداپاور چه مدلی برای تسلط بر ماده و انرژی ارائه می‌کند؟
در دهه‌های آینده چگونه هستی‌شناسی الهیاتی افق فهم بشر از جهان را، از ریزترین ابعاد تا دوردست‌هایش، متأثر می‌سازد؟
شماپل دانشمندان، نهادهای علمی، مراکز سیاست‌گذاری علمی و آزمایشگاه‌های ایران اسلامی در پنجاه سال آینده چگونه خواهد بود؟
نهادهای حکمرانی در آینده چگونه از نهاد علمی و فرآورده‌هایش تغذیه خواهد کرد؟

زمان: دوشنبه ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۲ - ساعت: ۱۷ الی ۱۹:۳۰
مکان: خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولی‌عصر و خیابان برادران مظفر شمالی، خانه اندیشه‌ورزان، پلاک ۹۰۷

شرکت در نشست آزاد و رایگان است

کانال به





خانه‌اندیشه‌ورزان



بنیاد توسعه فردا



اینستاگرام

ب کاربرگهای نشست

بسمه تعالی
 کارپروژه نشست دوم پاییز کافه آینده - آبان ۱۴۰۲
 سناریوهای پیشرفت و تحول علمی ایران و جهان اسلام در صد سال آینده

علم به عنوان منبعی برای امید به ساخت تمدن و پیشرفت در نشست اول به بحث گذاشته شد و بیم ها و امیدهایی درباره پیشرفت و تحول علمی پنجاه سال آینده ایران و جهان اسلام مطرح شد:

پیشرفت علمی و بیم از آینده

تکرانی های جدی در رسیدن به تصویر امیدوارانه‌ی ترسیم شده وجود دارد. علوم سلطه بنیان، طرفداران و صاحبان منافع خودش را دارد. تبعات گسترش این علوم به لحاظ اخلاقی و محیط زیستی هم الان مشکلات زیادی را به وجود آورده است. جنگ های ویرانگر، تخریب گسترده محیط زیست، انحطاط فرهنگی متاثر از سلطه‌گری بی حد و مرز علمی و فناورانه نمونه‌ای از آن است. آینده می‌تواند بسی ویرانگر و ویران‌کننده باشد. عقب افتادن تکنیکال از جامعه جهانی، منجر به سلطه بیش از پیش غرب بر کشورهای اسلامی و عقب‌ماندگی فرهنگی- اخلاقی و حذف تمدن اسلامی خواهد شد. عقب‌افتادگی در لایه فرهنگی باعث برسپرندگی و دنیالو روی و سلطه پذیری می‌شود. از دست رفتن میثاتی و کلبوس ما نمی‌توانیم، جوانان سرزمین‌های اسلامی را به کارگران نظام سلطه بدل خواهد کرد. مهاجرت تمدنی که لزوماً دیگر فیزیکی نیست گسترده‌تر خواهد شد. ضعف‌های مدیریتی و کمبود سرمایه‌گذاری برای پیشرفت علمی در رقابت شدید جهانی و تهاجمی بودن سایر تمدن‌ها، باعث از دست رفتن فرصت‌ها خواهد شد. خطر بزرگتر از عقب‌ماندگی و پیشرفت علمی با همان الگوی تمدن غربی است که چیزی جز فرورفتن در آسیب‌های آن، که هم الان هم مشهود هستند به‌همراه نخواهد داشت. عدم تحول و همراهی نظام آموزش و پرورش یک دغدغه جدی و چالش آفرین است.

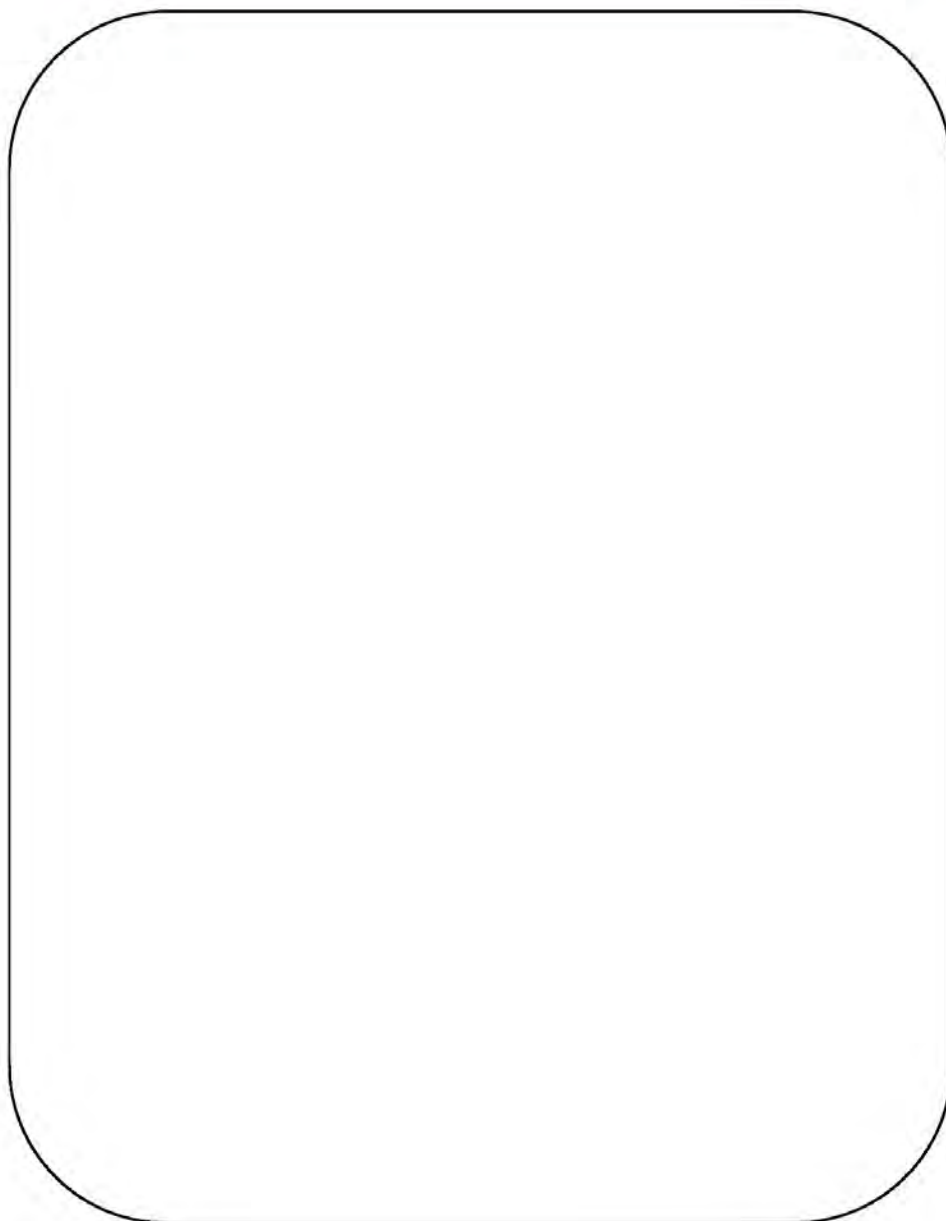
دانشه های ما برای پیشرفت علمی

دین هم آن تغییر نگاه و دیدمان موردنیاز برای تحول را در اختیارمان می‌گذارد، هم وعده‌های مطمئن و امیدبخش و روپاساز در اختیارمان قرار می‌دهد و هم منبعی بی‌انتهای از دانش را متکی‌بر وحی و دانش اهل بیت فراهم می‌سازد. در این بستر آماده، وجود فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و ایرانی، جمعیت جوان و پویا، محورهای فکری مستحکم و انقلابی و سلطه ناپذیر بودن ملت ایران امکان نقش‌آفرینی ایران اسلامی را در جهان اسلام برای تحول علمی فراهم می‌سازد. پیشرفت های علمی بشری تا به الان مثل دراختیار داشتن فناوری‌هایی برای ارتباطات جمعی، تحلیل‌های پیچیده مبتنی بر کلان داده‌ها، تصویر بسیار روشنی از آسیب‌های تحول علمی غربی و وضعیت فعلی در شعور جهانی، فرصت‌های منطقی‌ای برای پیشرفت که هم‌الان حاصل شده‌اند به ویژه نیروی انسانی دانشمند و فارسی زبان که در سراسر جهان پراکنده هستند همه و همه می‌توانند در خدمت تحول خلاقانه و متمایز علمی ایران اسلامی قرار گیرند.

علم، آینده تمدن ساز

آینده پنجاه تا صد سال پیش روی جهان اسلام و ایران به عنوان یک بخش مهم از سرزمین و تمدن اسلامی، مبتنی بر پیشرفت علمی و افزایش دانایی و آگاهی از حقیقت خواهد بود. نگاه ممتاز تمدن اسلامی به علم که فراتر از محدوده‌های تعریف شده علم مدرن است، فرصت بی‌همتایی برای پیشرفت علمی ایجاد می‌کند. تکیه بر فطرت پرستگر انسان و فهم از معنای تعالی و انسان متعالی، راهبر این تغییر نگاه و باور خواهد بود. دستاوردهای جدید به دنبال خود پیشرفت صنعتی دانش‌بنیان را ممکن می‌کند. نوآوری‌های اجتماعی و فناورانه زندگی مردم را تغییر می‌دهد. این خود زمینه ساز طرح پرسش‌های نو از جهان خلقت خواهد شد. معنای انسان و سایر آفریده‌های پروردگار در کنار هم معنا می‌شوند. حاصل این پیشرفت علمی و مسیر آن بر مبنای نگاه عدالت‌محور به علم خواهد بود و نگاه مخرب تمدن غربی در توسعه علم سلطه‌گر زیر سوال خواهد رفت و به کناری گذاشته خواهد شد. زبان فارسی به عنوان یکی از مهمترین بسترهای فرهنگی پیشرفت علمی، رواج پیدا خواهد کرد. توسعه صنعتی و فناورانه پرسش‌های جدید مبنایی طرح می‌کند و زمینه برای یک خیزش عمیق فراهم می‌شود. جغرافیای سیاسی ایران تغییر پیدا می‌کند و متکی بر ظرفیت تمدنی جهان اسلام به یکی از مراکز مهم نوآوری علمی در جهان تبدیل می‌شود به گونه ای که مرزهای ایران از مدیترانه عبور می‌کند، از شرق در پای دیوار چین استقرار می‌یابد و از این سو در خاشیه اقیانوس آرام، ساحل مقابل را خواهد نگرید.

طرح ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی و یا هر قالب دلخواه):
دانشمندان، آزمایشگاهها، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پنجاه سال آینده چگونه خواهند
بود؟



با توجه به ملاحظات طرح شده در نشست مهرماه، امروز به نوشتن سناریوهای تحول و پیشرفت علمی پنجاه تا صد سال آینده مشغول می شویم. ضمن انتخاب یکی از عناوین زیر و با توجه به گفت‌وگوهای نشست مهرماه، تصویرهای خلاقانه‌ای از آینده با توصیف مثلاً وضعیت نوآوری های اجتماعی و علوم انسانی در سال ۱۴۵۰ (حدود پنجاه سال بعد) را ترسیم بفرمایید.

❖ نکته مهم: سه مفهوم علم (همه علوم بنیادین و تجربی تا علوم انسانی)، فناوری (نرم و سخت) و نوآوری، در تمام سناریوهای قابل تصور کاملاً به هم مرتبط هستند.

عنوان ۱: سناریوی کشف اسرار طبیعت و فهم بشر از اسرار بنیادی آن

عنوان ۲: سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری‌های اجتماعی آینده

عنوان ۳: سناریوی تسلط بر ماده و انرژی و توسعه علوم و فناوری‌های جدید

با توجه به ملاحظات طرح شده در نشست مهرماه، امروز به نوشتن سناریوهای تحول و پیشرفت علمی پنجاه سال آینده مشغول می‌شویم. ضمن انتخاب یکی از عناوین زیر و با توجه به گفت‌وگوهای نشست مهرماه، تصویرهای خلاقانه‌ای از آینده با توصیف مثلاً وضعیت نوآوری‌های اجتماعی و علوم انسانی در سال ۱۴۵۰ (حدود پنجاه سال بعد) را ترسیم فرمایید.

نکته مهم: سه مفهوم علم (همه علوم بنیادین و تجربی تا علوم انسانی)، فناوری (نرم و سخت) و نوآوری، در تمام سناریوهای قابل تصور کاملاً به هم مرتبط هستند.

عنوان ۱: سناریوی کشف اسرار طبیعت و فهم بشر از اسرار بنیادی آن

عنوان ۲: سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری‌های اجتماعی آینده

مطابق محبت خانم جنتی و آقایان ارضایی و آینه‌ها، از آن علوم است که توضیح می‌دهد و نه عمل می‌کند. در اینجا البته محبت خانم جنتی آینه‌ها را ظهور در بیان آن توضیح داده است. برای رسیدن به آن فهم می‌تواند در زمان از عالم وجود می‌آید و راه‌های آن را در ذهن آن از عدل و قسط به ذهن قدرت خواهد برد. یعنی در این علم و جبر از همان صیغه عدل و قسط می‌آید. آنگاه احلام مردم همین که نشانه‌ها آن جهان صیغه رقم می‌خورند. در این رابطه، کبریا است که می‌تواند غریب‌ها را از آینه‌ها جلای است و انبیا و کاتبان را از کتب بینی و فکر کردن در عالم کتب است. (انقلابات سریع آخر الزما)

عنوان ۳: سناریوی تسلط بر ماده و انرژی و توسعه علوم و فناوری‌های جدید

با توجه به ملاحظات طرح شده در نشست مهرماه، امروز به نوشتن سناریوهای تحول و پیشرفت علمی پنجاه تا صد سال آینده مشغول می شویم. ضمن انتخاب یکی از عناوین زیر و با توجه به گفت‌وگوهای نشست مهرماه، تصویرهای خلافت‌های از آینده با توصیف مثلاً وضعیت نوآوری های اجتماعی و علوم انسانی در سال ۱۲۵۰ (حدود پنجاه سال بعد) را ترسیم بفرمایید.

نکته مهم: سه مفهوم علم (همه علوم بنیادین و تجربی تا علوم انسانی)، فناوری (نرم و سخت) و نوآوری، در تمام سناریوهای قابل تصور کاملاً به هم مرتبط هستند.

عنوان ۱: سناریوی کشف اسرار طبیعت و فهم بشر از اسرار بنیادی آن

بسیار دلمه ما از کشف اسرار طبیعت به عنوان ابزار درجه پنجم و برای چه چیزهایی بکار می‌گیریم و استفاده می‌کنیم

عنوان ۲: سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری‌های اجتماعی آینده

اگر باعث شود که بشر به بلوغی برسد که نتوانسته با این علوم انسانی تا به حال برای دنیای پس از مرگ خود کاری بکند و آثار خراب کرده است و نقایصی هم در دنیای مادی خود وجود آورده باعث روبه‌علوم انسانی می‌شود که تا به حال عمل نشده است و نادیده گرفته ایم

عنوان ۳: سناریوی تسلط بر ماده و انرژی و توسعه علوم و فناوری‌های جدید

معمولاً در روند از گذشته تا به حال این سناریو برای استفاده بشر برای تسلط بر دیگران و استعمار و استعمار بوده از فراعنه در قدیم - و امروزه در این روزگار

با توجه به ملاحظات مطرح شده در نشست مهرماه، امروز به نوشتن سناریوهای تحول و پیشرفت علمی پنجاه ساله، سال آینده مشغول می شویم. ضمن انتخاب یکی از عناوین زیر و با توجه به گفت‌وگوهای نشست مهرماه، تصویرهای خلاقانه‌ای از آینده با توصیف مثلاً وضعیت نوآوری های اجتماعی و علوم انسانی در سال ۱۴۵۰ (حدود پنجاه سال بعد) را ترسیم بفرمایید.

نکته مهم: سه مفهوم علم (همه علوم بنیادین و تجربی تا علوم انسانی)، فناوری (نرم و سخت) و نوآوری، در تمام سناریوهای قابل تصور کاملاً به هم مرتبط هستند.

عنوان ۱: سناریوی کشف اسرار طبیعت و فهم بشر از اسرار بنیادی آن

اسرار طبیعت را کشف می‌کنیم

عنوان ۲: سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری‌های اجتماعی آینده

تعمیرات اساسی در مدل‌های علمی از حد عبور می‌کند و ما شاهد تحولی در آگاهی هستیم و نهایتاً مشکلاتی که پیش از این حل نشده بودند، حل می‌شوند.

عنوان ۳: سناریوی تسلط بر ماده و انرژی و توسعه علوم و فناوری‌های جدید

ارتقای انسان از زمان ماضی تا آینده کامل.

با توجه به ملاحظاتی مطرح شده در نشست، مهرداد، امروز به نوشتن سناریوهای تحول و پیشرفت علمی پناهگاه تا صد سال آینده مشغول می‌شویم. ضمن انتخاب یکی از عناوین زیر و با توجه به گفت‌وگوهای نشست مهرداد، تصویرهای خلاقانه‌ای از آینده با توصیف مثلاً وضعیت نوآوری های اجتماعی و علوم انسانی در سال ۱۴۵۰ (حدود پانجاه سال بعد) را ترسیم بفرمایید.

نکته مهم سه مفهوم علم (همه علوم بنیادین و تجربی تا علوم انسانی)، فناوری (نرم و سخت) و نوآوری، در تمام سناریوهای قابل تصور کاملاً به هم مرتبط هستند.

عنوان ۱: سناریوی کشف اسرار طبیعت و فهم بشر از اسرار بنیادی آن

عنوان ۲: سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری‌های اجتماعی آینده

فهم کشف اسرار طبیعت

عنوان ۳: سناریوی تسلط بر ماده و انرژی و توسعه علوم و فناوری‌های جدید

۱- و با اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل کلاه بزنیم در آن سزای سنت گذارده آنها بی‌عوار (خلق) قرار دهیم و دارک گردانیم [دارک شد جاه و عزت] (۵- فصل)

۲- و ما بعد از کربلا در زبور نوشتیم که البتة بندها نیکوکار من ملک زمین را دارک دست‌سوز خوانند (۱۰۵ ابیات)

سأله محوری، ایستادگی بر موضع حق و دفاع قدرتمند خنایت بدی، چه جهان حقیقت جو

و آزاد را - سرچشمه محرک حرکت می‌دهد و بلکه از فلسفه ایمان گذر جزیره و جزایر بی‌شمار - ۱- روشنگری - ۲- حل‌عمل مسائل می‌داند -

با توجه به ملاحظات طرح شده در نشست مهرماه، امروز به نوشتن سناریوهای تحول و پیشرفت علمی پنجاه تا صد سال آینده مشغول می شویم. ضمن انتخاب یکی از عناوین زیر و با توجه به گفت‌وگوهای نشست مهرماه، تصویرهای خلاقانه‌ای از آینده با توصیف مثلا وضعیت نوآوری های اجتماعی و علوم انسانی در سال ۱۴۵۰ (حدود پنجاه سال بعد) را ترسیم بفرمایید.

❖ نکته مهم: سه مفهوم علم (همه علوم بنیادین و تجربی تا علوم انسانی)، فناوری (نرم و سخت) و نوآوری، در تمام سناریوهای قابل تصور کاملا به هم مرتبط هستند.

عنوان ۱: سناریوی کشف اسرار طبیعت و فهم بشر از اسرار بنیادی آن

به نظر من در سال ۱۴۵۰ به بشر به کشفیات زیاد و جریبی از فضا دست میابد و به نظر من تا سال ۱۴۵۰ یا ۲۰۵۰ بشر به مریخ میرود
 در نظریه انتقین در سرد زمان با بدیتر میمیریم

عنوان ۲: سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری‌های اجتماعی آینده

عنوان ۳: سناریوی تسلط بر ماده و انرژی و توسعه علوم و فناوری‌های جدید

با توجه به ملاحظات طرح شده در نشست مهرماه، امروز به نوشتن سناریوهای تحول و پیشرفت علمی پنجاه تا صد سال آینده مشغول می شویم. ضمن انتخاب یکی از عناوین زیر و با توجه به گفت‌وگوهای نشست مهرماه، تصویرهای خلاقانه‌ای از آینده با توصیف مثلاً وضعیت نوآوری های اجتماعی و علوم انسانی در سال ۱۴۵۰ (حدود پنجاه سال بعد) را ترسیم بفرمایید.

❖ نکته مهم: سه مفهوم علم (همه علوم بنیادین و تجربی تا علوم انسانی)، فناوری (نرم و سخت) و نوآوری، در تمام سناریوهای قابل تصور کاملاً به هم مرتبط هستند.

عنوان ۱: سناریوی کشف اسرار طبیعت و فهم بشر از اسرار بنیادی آن

ما در لایه "متعارف" علوم طبیعی به سر می‌بریم راین مقدره علمون رفننج در این علوم است. خود ما دری این که دارد در ایران (به لطف خدا در برکت نظام صری) انوزیاسان (نفع‌گرا) نویدکنش صاحب نظران ما در این علوم در آینده است.

عنوان ۲: سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری‌های اجتماعی آینده

ما در این علوم "صفت داریم و در پی به نایب ترند" علم متعارف دم ز سید ایم. نعلج ساری بدون توجه جدی به این علوم ناممکن است.

عنوان ۳: سناریوی تسلط بر ماده و انرژی و توسعه علوم و فناوری‌های جدید

رشته ما در این زمینه یا عنوان ۱ تمسکی دارد. به نظری رسد ما در این عرصه هم رشته ~~داریم~~ خواهیم داشت.

با توجه به ملاحظات طرح شده در نشست مهرماه، امروز به نوشتن سناریوهای تحول و پیشرفت علمی پنجاه تا صد سال آینده مشغول می شویم. ضمن انتخاب یکی از عناوین زیر و با توجه به گفت‌وگوهای نشست مهرماه، تصویرهای خلاقانه‌ای از آینده با توصیف مثلاً وضعیت نوآوری های اجتماعی و علوم انسانی در سال ۱۴۵۰ (حدود پنجاه سال بعد) را ترسیم بفرمایید.

❖ نکته مهم: سه مفهوم علم (همه علوم بنیادین و تجربی تا علوم انسانی)، فناوری (ترم و سخت) و نوآوری، در تمام سناریوهای قابل تصور کاملاً به هم مرتبط هستند.

عنوان ۱: سناریوی کشف اسرار طبیعت و فهم بشر از اسرار بنیادی آن

حضرت علی علیه السلام فرمایند علم سلطه است نه این موضوع بارها توسط علمای بزرگوار
 به آن آنگیز شده است لذا به علم رجایمان، نه ذات باطنی که کرد و بیدان عمل نبرد در درازم کردن
 گناه ضایع و خزون، تا زمانه از نظام موریست ایران نگذرد، چنان ملایم بر بیدار اجتماعی
 بر علم هم نماند اینرا فتم است درصدا که از ارزش راه ما براسختم رکنف امرار جلست و اسرار
 بنام سران گذرانند لذا با اسرار است و کرد از اسرار عمل محققان ما به دور از گمان، همان فراموش

عنوان ۲: سناریوی علوم انسانی نوین و نوآوری های اجتماعی آینده

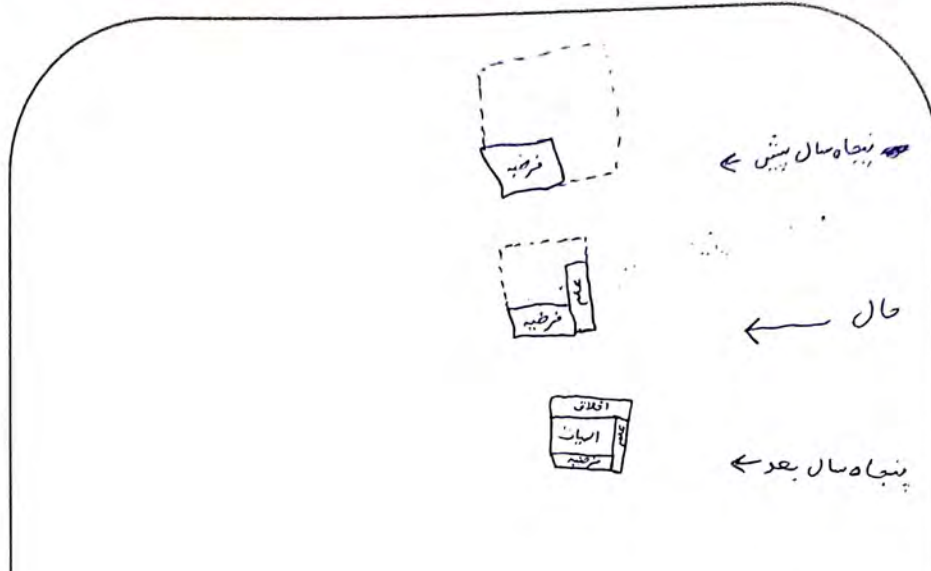
در سنجش علم است ما نگیم از زنگنه از امام اول سبحان حضرت علی علیه السلام السلام السلام
 که عمل آن گفتار که قدر نیست کمره با او در غنی علم است و صل به تکرار ساز ایران است
 خردمند شد و بعد از آن عدول ساز ستفهم حاصل تا به به ایران است.
 با بیدار است اجتماعی ستفهم رعیت کرد با کرد به آن در از در کوم است و صل کرد که آنرا
 صل به تکرار نزن است با ساز در در ناگاه سازان ما نندن است.

عنوان ۳: سناریوی تسلط بر ماده و انرژی و توسعه علوم و فناوری های جدید

طرح ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی و یا هر قالب دلخواه)
دانشمندان، آزمایشگاه‌ها، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پنجاه سال آینده چگونه خواهند
بود؟

سراسرگین، گفتار سبب
در هر گشته چون نیم سردار سبب

طرح ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی و یا هر قالب دلخواه) دانشمندان، پژوهشگران، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پنجاه سال آینده چگونه خواهند بود؟



علم قبلاً فرضیه پررازی و آزمایش بود که تست کن از علوم کل را تشکیل می داد. با گذشت سال ها متوجه شدن گامی باید نتیجه گیری دیگران را توسعه داد فرضیه های دیگر بر آن سوار کرد. در حال حاضر دانشندان بر همین پایه و اساس علوم روز. تصویر من از پنجاه سال آینده این است که بالاخره اهل علم به تکامل علوم کل می رسند و مترجم می شوند حقی در مسائل بی ریس مانوشین و نیز، باید از اخلاق و اهمیت بهره برد.

طرح ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی و یا هر قالب دلخواه)
 دانشمندان، آزمایشگاه‌ها، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پنجاه سال آینده چگونه خواهند
 بود؟

- محلاً اراضی عدلکما و قسطاً کما ملئت ظلماً وجوراً.

- ۳۱۳ بار در یک سطح رانندگی و جمع در سطحی دیگر.
 آملی

- آیا فهم عقول بشری منفرد دیده شود که سطحی از تفکر و کمال بپذیرند

بلکه ظهور، با علم دانش همین دستگیران مصطلح (بر اساس فرهنگ و آشنایی که عقول در آن رشد می‌کنند)
 بپذیرد سطحی از همت (توانایی) هر چند که
 ضایعات

آیا آینده بشر و تصویر سازی کار مصحح و مبدی است یا نوعی عدم قطعیت‌ها؟

فنا هم‌اکنون نیاز به علم و فناوری / مهندسی و فنون /
 راهی

- در حوزه دست‌باز قدرت politics of science

+ رویکرد گسلی من و فو در نری.

علم فن‌منا است! : برکت و شرفی زهن در علم از روی انان و خردانه : هر چه است و قابلیت هر دو مسیر
 دارد و از ذهن خردانه خارج نمی‌شود.
 microfunctions of thinking / mind.

طرح ویژه به صورت متن، تصویر، نقاشی و یا هر قالب دلخواه
با استفاده از امکانات، مراکز دانشگاهی و ... آبان هر پناه سال آینده چگونه خواهند بود؟

۱

سلام دکتر از زمان تهران
 مناب درم به پنج سوال میزان باید بگیری شروع کنم
 از بیخیه، صد سال پیش در انگلستان، آمریکا و حتی از کشور
 غربی و توسعه یافته در سینه امروزه کارن ها فکر و اندیشه در کتب غنی
 Think Fank بودر آمده است سوال تو مخاطب اعطوف با
 ل های کند به ضرورت اندیشه [امروز مصاف است
 حال به این مقدمه توضیح بقتصر می کنم
 سخن بدید بولف و شیرنت جداول رساندن در ذهن فکرانی خوب و
 است این امر محقق نمیشود مگر ایند ما و شیران گفتن سازی را
 یادش کنیم ، یادش این ایماز قوی در حل مسائل جداول در علم
 و عبرت از محاسن فار فارو و کتف اصل از لایه کربن
 و جالبه در کتور معجزه می کند همانگونه که در کتور فار سینه در حل
 در آن هشتم
 گفتن سازی میجی بر فکر و اندیشه در با دو بودیم در ایجاد و ویرانی

(ادله در صورتی)

* ورود ایاری نمبر - خلق ، آفرین اندرے می شود در بر کرد ویرائی
تکر و اندرے خلق شده را سرور سنجیم اگر آستانه دوار ماره و آرا
سک زده و مکیس کاری در کند نکتہ مهم بر کلدی در عرض یہانی
کہ بارها از نوعی تمام معلم رچہ عنوان شدہ در وضع بین
است

بین عنوان طائی و مکیس نگہ فکر و اندرے خلق شدہ و سرور
سنجیم وار کرمه است کہ میں در اندہ عبارہ فکر خلق شدہ را
بالانبری حد خود برساند سین سنار بر علم انسانی نوبین و نوارہ کر
امتیاعی آئندہ باستی بر یام اعاد ، تولد ، ترویج فکر و اندرے
• خلافتانہ ، تقارانه بین مینا تمام بہ راه اندازی اندہ فکرہ کی بر کاندہ
وہیت ہار فکر و اندرے دنیا مقیاس ہلا انجام شود تا میران
کسری کہ رعقب سادگی کر صلی کر در

ع (مقام)
رسل سطر
۰۹۱۲۱۲۹ ۴۸۷۰

طرح ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی و یا هر قالب دلخواه) دانشمندان، آزمایشگاه‌ها، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پنجاه سال آینده چگونه خواهند بود؟

دنیا آینه دنیا رهبر مسئله است و این از آن کانی که
 بر باد است منقوله من خود استادگی می‌کنه و آنرا در فضاها و اندیشه‌ها می‌آید خرد
 لذا اثر دستگاه شناختن بر یافتن راه حلها تا آنکه اندر در حل سائل انگار نماند
 در دنیا آینه ^(کتاب) ~~چینه~~ از در حدیث شکل می‌گیرد که معنی یک قدرت
 که نه بلکه یک امر قدری تو ظهور رهبر اراده‌ها را بدست می‌گیرد و
 با درک کبر ما جا باید - این ^{شکل} پاسخ دارد:

«مردمان فعال از جموع با توجه به نگاه در حدیث»
 ← با این شکل ایران

تفاوت از نگاه بر قضا، ذهن و سیر سائل ... در یک لایه بسیار علمی است و همه در یک با
 از آن جهت و حس است؛ لذا بنظر بنده نوعی تکلیف است که [با توجه به سیر سائل]
 بر اولویت ها
 آرد و من خود
 هیچ ظرفیتها
 تا اثر خود را می‌گذارد.

در نیاه خدا باشد . مسودیا

طلوح ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی و یا هر قالب دلخواه)
دانشمندان، آزمایشگاهها، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پنجاه سال آینده چگونه خواهند
بود؟

با توجه به رشد روزافزیده دانش و سرعت تحولات در عرصه‌های مختلف
به ویژه در حوزه فناوری، جنبش پیش‌بینی‌ها را بیشتر به تخیل
و خلاقیت و بازی می‌ماند. پس باید امروز بهترین تلااها را بکنیم
که شاید املا فرای نیا سند. ما اهل شعار و شعار و تخیلیم.
در کوچکترین امور روزمره اکنون خودمان درگیر و
بی‌دست و پا هستیم اما حرفهای بزرگ و رویای برای جهان
و انسان ما زینیم.

نظم و ترتیب در معماری و طراحی

طرح ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی) یا هر قالب فکری که دانشمندان، آزمایشگاهها، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پیچاه سال آینده چگونه خواهند بود؟

نزیان

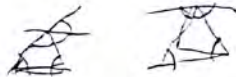
ده سال آینده از نظر مردم آینده ای دگرگون نسبت به زمان حال است، بعضی ها آینده را تلخ و دارای کمبود منابع و جنگ های بسیار می بینند. برخی دیگر آینده را زیبا و دلنشین و بهتر از حال البته وابسته به تکنولوژی می یابند؛ اما نظر من این است که هیچ کدام یک از این آینده ها وجود نمی آید و صفتی نمی شود مگر آنکه ما انسانها دست به کار شده و کاری انجام دهیم.

با توجه به تاملی بین ایرانیان از نظر عقاید که همین افشا شایسته را تعیین می کند. نمایان گر آن است که ایران را پیشینی کرد.

هنوز نمی توان آینده هر چند تعداد افرادی که با نظر اکثریت مردم ایران مخالفند کم است اما همین تعداد موجب مقتل شدن کار ما اکثریت می شود.

نوع اعمال به نوع تربیت ارتباط مستقیم دارد، پس تربیت و فرهنگ است که اعمال را می سازد و اعمال است که آینده را می سازد.

پس برای بهترین، قطعی ترین و ساده ترین راه برای دستیابی به آینده زیبا، تربیت درست است.



ظرف ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی و یا هر قالب دلخواه)، دانشمندان، آزمایشگاه‌ها، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پنجاه سال آینده چگونه خواهند بود؟

به نام خدا

به نظر من آینده‌ی دانشمندان آینده‌ی ایران روشن است، شاید تعداد خیلی زیادی دانشمند خیلی خوب وجود داشته باشد ولی به نظر من حتماً تعدادی دانشمند عالی و خیلی با دین در ایران خواهد بود مثل شهید تهرانی مقدم.

به نظر من آینده روشن است، در کشور ما نه جوانان زیادی هستند که به دنبال ساخت آینده هستند.

اما به نظر من کشور ما باید کمی به روز تر شود به طور مثال در کشور ما تازه بعد از دوران کودکی خرید آنلاین و استفاده از گوشی‌های هوشمند رایج شد الان کشور ما آماده‌ی پذیرش ربات‌ها و AI یا همان هوش مصنوعی نیست باید کمی به روز تر شود و ببیند که نیاز به AI ربات‌ها دارد.

(ما باید مراقب سیاست رهبر شود دادن رباته گری باشیم)

محمد صدرا احمدی

طرح ویژه (به صورت متن، شعر، نقاشی، طراحی و یا هر قالب دلخواه):
 دانشمندان، آزمایشگاه‌ها، مراکز دانشگاهی و ... ایران در پنجاه سال آینده چگونه خواهند بود؟

من تقدیری از آینده ندارم. اما به نظم ابزار ما برای
 شناخت آن نزدیک می‌شوم. به روشی صفتی باسند به آینده‌آزمایی
 نمی‌رسیم. نگرانی‌ها، قنوط، اضمحلال، اضمحلال، توکل در مودری
 از این دست از ابزار اصلی ما در نزدیکی هستند.
 بدون این ابزارها ما نمی‌توانیم نهی از توسعه علم
 توسعه‌ی داشته باشیم و اگر کسی به این علم برسد
 نمی‌تواند آن را به غیر خود آموزش دهد.
 بهار مراتب توسعه امکان دسترسی به علم است. بی
 در علم حقیقی وجود خواهد داشت و با بهار نقل
 آنگاه انضام از نام، فرد غیر موجود می‌تواند به
 نگاه توسعه‌ی به علم طب و باس بر علوم طبیعی
 برسیم. بنابراین باید ابزارهای ما برای
 کشف علم تغییر کند و تکمیل شود.

پ لیست شرکت کنندگان

ردیف	نام و نام خانوادگی	تخصص
۱	مازیار عطاری	آینده پژوه - بنیاد توسعه فردا
۲	انوشیروان انصاری	پژوهشگاه زلزله
۳	مهرداد مرتضوی زنجانی	موسسه عمران بان
۴	فاطمه سادات رحمتی	اندیشگاه مهاد - آب و انرژی
۵	مهکامه طاعتی	آینده پژوه - استاد دانشگاه
۶	محسن بهرامی	مکانیک - آینده پژوهی - دانشگاه امیرکبیر
۷	معصومه سلامتی	سیستان - متخصص رادیولوژی
۸	سمیه چیتی	پژوهشگر - روابط بین الملل
۹	سعید نریمان	علوم سیاسی
۱۰	مهتیار محسنی	مدیریت بازرگانی - اقتصاد
۱۱	محمد صدرا احمدی بیگی	دانش آموز
۱۲	علی سلطانی	مدیریت منابع انسانی - بنیاد رودکی
۱۳	مهدی فاتح راد	پژوهشکده سیاست گذاری دانشگاه شریف
۱۴	احمد محجوبیان	مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۵	علی محمد سلطانی	بنیاد ملی علم ایران - سیاست گذاری
۱۶	علیرضا نصر اصفهانی	مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی - آینده پژوهی
۱۷	علی رضا توکلی	اندیشگاه طراحی و اقامه عدل - عدل پژوهی
۱۸	محمد مهدی احدیان	استاد دانشگاه - پژوهشکده همگرا
۱۹	امیر حسین کشانی	مهندس شیمی
۲۰	زهرا عباسی	علوم تربیتی دانشگاه امام صادق
۲۱	افشین جاوید	پژوهشکده شریف - اقتصاد
۲۲	فرنوش صفوی فر	اندیشکده سرو - روانپزشک
۲۳	زهرا حیدری نژاد	اندیشگاه سنا
۲۴	میثم مسعودیان	بنیاد توسعه فردا
۲۵	سعید زعفرانی	بنیاد دایره المعارف اسلامی - علوم، قرآن، حدیث

ردیف	نام و نام خانوادگی	تخصص
۲۶	محمد مهدی شریفی	هوافضا
۲۷	امام‌الدین	
۲۸	نقیسه عزیزی	مهندس کامپیوتر
۲۹	حسنی فر	اندیشکده لقمان - فیزیک
۳۰	نجم‌الدین یزدی	پژوهشکده سیاست‌گذاری شریف - سیاست‌گذاری علم و فناوری
۳۱	فائزه حسن زاده	ارتباطات رسانه - بنیاد توسعه فردا
۳۲	سید هاشم موسوی	شیمی
۳۳	مه‌دیار شمس	دانش آموز
۳۴	محمدحسن نریمان	دانش آموز
۳۵	علی‌رضا رضانی	بنیاد توسعه فردا
۳۶	حوریه سادات جوزی	بنیاد توسعه فردا
۳۷	رضا کاظم پور	جشنواره اقتصاد مردمی
۳۸	علی‌رضا فولادگر	بنیاد توسعه فردا
۳۹	زهرا ستاریان	بنیاد توسعه فردا
۴۰	سید نادر رسولی	دانشگاه کمبریج - بصورت برخط

جدول ۱: لیست شرکت کنندگان

